

وجه و توقیر آنها نباید در راه ملت زحمات بکشد و سردی و گری ما بچشد نه اینکه فقط به همین اسم تاجر کان کند که استحقاق احترام و زرکی دارد - بدینق ما ایرانیان در این است که آنها یکی فی الجمله درای نوزن هستند خود را علم بطوم اولین و آخرین مرض میکنند و حال آنکه هر نوزن مستلزم عقل نیست میجوقت گن برفت که این نوع ضدیت و عناق میان خود اهالی رفوع رسد و طرفین اینطور در جاده بی خبری قدم بزنند - وجوهات گریک صحیح است که باید قدری از آن برای مخارج لازمه صرف شود ولی البته باید قسمی حرکت کنند که موجب ملامت داخله و بید و مخوف خارجه باشد - مخبر ما میبج اشاره از آن پیغامها که قوسول انگلیس فرستاده نکرده ملی دیگران مفصل نوشته اند که حال از چه قرار رده، و این اقواوات از مابت اتلاف و اسراف آن - جووت تا اندازه کسب شیوع کرده بود که قوسول منور جداً خواسته بود ترتیب صحیحی در کار داده شود ولی گویا اطرافها صرفه خود را در این ندانست و نحوای تو خالی قناعت کرده بود - اصلاً مداخله در وجوهات گریک نا صحیح بود و ایست مصارف لارمه را از عمرهای دیگر تعیین کنند، چنانکه مجاهدین آذربایجان و رشت و انزلی و سایر جاها نمودند و خوب زد که حرکات تبریزیان را سرمشق خودشان قرار دهند حالا که هر طور بوده مداخله شده، چرا ترتیب و نظم درستی در کار نباشد، آنها یکی، بیخواهند در بلاد ایران، ترویج عدالت بردارند باید خودشان کال عدل را نسبت به همه پیشه کرده و از اجتهادات چشم پوشی نمایند تا اینکه خوب مردم از آنها رنجیده نشود، علاوه بر این اگر مالا که میبج طرف مقابل در کار نیست و از دوایبان بیج معاند و معارضی نمیدانند اینطور میان تاجر و دیگران مخالفت افتد بعد از آن چه خواهد شد، ماس که چشم بینا در میان نیست تا به چند کارهای دیگران بر چه و تیره و بیکره میروند، وظیفه ملتیان و شهر این بود که چند نفر دانای بیخبرش که در هر جای ایران یافت میشود و ابدأ عمل توحه نیست در انجمن شامل کرده در همچو کار مهمی آراء ایشان را اخذ کنند و ما اعتراف داریم که اعضای انجمن حالیه که

معدودی تاجر و ملاحظتند در صورتی هم که اجرائیه داشته باشند از آراء صاحب محروم اند و همین خود موجب سکت در کارهای آنها و مغل حرکت ملی خواهد بود

امروز باید طرفین با هم دیگر کال موافقت پیشه کرده و در پیشرفت کار نهایت سعی و دقت و جانفشانی بکنند و نگذارند دشمن بر آنها جیره شود، و طوری دیانت و صداقت را ظاهر سازند که ابدأ عمل حرف دیگران نشود، فرادست که از طرف دولتیان بیرون شاید اقدامی بشود و اگر تاجر و علماء با هم اتفاق نداشته باشند معلوم است که کار خیلی گوشه میبرد و پیشک و خامت عمل بر هر دوی آنها وارد میآید و وظیفه تاجر اینست که بیدرنگ ترتیب طوشتی داده و بافاق علماء و دانایان کار روانی نمایند

باز هم میگویم همانطور که تاجر سبب این اوضاع نا گوار شدند اصلاح و ملاحظت هم بدست خودشان است - امیدوار بودیم که در همچو موردی تبحر، خاق ظاهر شود که ما تا کال تأسف این نوع اظهارات مبادرت کنیم و با هم خیلی طریق حزم پیش گرفته چیزهاییکه با رسیده و باعث رسوائی هموطنان میشود از نظر مداخله فقط بر واردات دینی خود توصیه می کنیم که نگذارند مجبور به تشر فضاخ شوم و این حرف ما هم بسلامت و هم به تاجر پوشهر می بخورد (وما علمنا الا البلاغ)

**ترجمه هی گلوب مورخه ۱۵ مارچ**  
 اسکتز دیده شده که هرگاه در غرب امنیت حاصل است افنشانی و نا امنی در شرق موجود است چنانچه این ایام برهای مظلم افق ایران را فرا گرفته، بموجب تحریک تازه رسیده نزدیک است در طهران انقلاب عظیم روی دهد، این خبر بسیار مدعش است چه همینکه بکمر تبه مراده انقلاب در مملکتی بگردش آمد معلوم نیست تا کجا از گردش پیوندد، این خبر زبان رد هوام است که دولت روس نظر به حالت خونناک ایران جبهه حصول امنیت ارده فرستادن یکدسته قزاق در طهران دارد، ولی ورری امپراطوری روس را لازم است که ازین گونه اقدامات بهر بیزد و صبر کند، صبر بدو جبهه لازم است

(۱) شك نیست که مشروطین را خیال این است که برای تصرف ایران روسها بانه می جویند ، اگر دولت روس در طهران دستة از قشون خود را فرستد ، در هر فرقه و دهات خیال مشروطین قوت خواهد گرفت و حالت مملکت بیشتر متقلب خواهد گردید ، در آسورت ممکن است که مال و جان تمام و پایای خارجه بمخاطره افکند ، البته در آفت حال روسها فمه دار خواهند بود نه ایرانیان

(۲) از ورود دستة قشون روس در طهران نفوذ انگلیس در تمام ایران مضمحل و نابود می شود ، و ما مرکز خواهیم گذارد درات روس در ایران اینگونه تدارکات کند ، و در صورتیکه انگلیس درین حرکت بجای روس متفق شود باید ما مشروطین از درجک در آید و حال آنکه ملاحظه مشروطین ایران را قبضه خواهند کرد ، علاوه ما عماره برخلاف مداخلت بوده ایم ، ایران را باید ایرانیان خود انتظام نمایند ، ما یغین داریم دولت روس را این مسئله فور و تأمل خواهد نمود ، ورنه مداخلت صورت مزید انقلاب و موجب بدامنی تا زمانی دراز خواهد گردید ، و دولت روس فمه دار خواهد بود

### فروش کتابخانه سلطنتی ایران

موجب خبر موثق سبب خالی بودن خزانه و نیافتن قرض و بی بولی دستگاه درباریان گرسنه را وادار کرده که کتب خانة سلطنتی که منتشر ترین کتب خانه های شرق است بفروشند ، بسیار کتاب های قلمی مذهب قدیم نادره را قیمت بسیار نازل فروختند ، و چند جلد کتاب بسیار ممتاز را به ۶۰ الی ۷۰ هزار تومان بخارجه فروختند ، بلکه جلد کتابی را به از پودان به چهار هزار تومان خریده است ، اکثر کتابها را اهالی لندن می خرید

### جبل اللب

ملک بی صاحب باید همین وضع از میان رود ، معلوم است مشیر و مشار سلطات که امیر سادر و لیاکوف باشند چه قدر و قیمت برای کتب خانة سلطنتی می طلبد ، آری اگر درد و لغیرت باشد همین به بدنامی می است ، ولی این جوانگر بدلتون ایران و ایرانیان بست و تا بوس از سلطات گردیده بر هیچ چیز این

ملک و ملت و دولت ایفاء میکند و آنگاه سلطات را باین ناموسی بر باد می نهد

( گر ازین دست زند مطرب مجلس ره عشق )  
( ای بسادل سکه ز خونابه ماقش گردد )

### ترجمه دیل بیوز

( ۱۵ مارچ )

جزیره های بالکان تنها طالب نظر دقت سیاستمدان نیست بلکه حالت کنونی ایران از زشتی حکمت عملی شاه قسسی خوفناک شده است که هر وقت این خیال مدنظر جلوه میکند که آیا مشروطین بدون مددخارجی جوی غیر نظامی را در مقابل قشون شاه آورده مقاومت توانند کرد ؟ آیا شاهرا اینقدر دخل خواهد بود که بتواند مواجس قشون را داده و سلطنت مستبدانه را قائم گذارد ؟ و تاکی ما روس را از مداخلت باز خواهیم داشت ؟ - شك نیست که مشروطین روز روز در قوه و ترقی اند

نامه نگار ما بوم جمعه از تبریز ابتری شهر و فلاکت اهالی را خبر میدهد ، و ضمناً میگوید اگر چه در شهر قسطنطنیه و تجارت بند است مصلحت امید چنان است که مشروطین کامیاب گردیده قشون استبداد را هف بنهند

رشت که یکی از شهرهای عمده ساحل بحر خزر و راه عبور و مرور طهران است قبضه مشروطین درآمده ، و شاه را اردوئیکه نتواند چه برنت نماید با اصفهان را مسخر سازد نیست ، حق از عاقل بسیار کلام نیز خبر میرسد که احکام دولتی مصطلح ماده فقط طهران و کرمان لیاکوف اکتوپ در جلو شاه خودسر باقی و اور تقویت می نماید - همین قدر که موسم بهار در رسد و راه عبور و مرور براسیبه مشروطین سهل شود از تبریز و رشت و اصفهان همه بطهران خواهد شد ، و قول حرائر روسی فعلا در خود طهران بز آثار تفاوت بنظر می آید - با خزانه خالی شاه را چگونه ممکن خواهد بود که حاجک را برقرار دارد ، از آغاز تحت نشانی خود آنگاه دو مرتبه مانگ روسی بشاه قرض داده و فعلاً آن طریق استبداد نیز رسماً بند گردیده است

از طرف دیگر ردوی عین اللهوله دومرتبه اطاعت

بانک که به نبرز میرف قارت و تاوان ورا حواله به  
 کراک خلیج فارس دادند ، مواجب سربازان نمیرسد  
 و اداره معاش آنها به نهب و قارت حواله شده است ،  
 هب اینکه در نهب و قارت هم گاه گاهی امید فتح  
 میرود - ولی تاکنون با اینهمه نهب و قارت قشون  
 سنبدها را قتی حاصل نگردیده است  
 از تلگرافی امروز ( روز ) ظاهری می شود که  
 دولت روس اراده نموده بلکه دسته کوچکی قزاقی باسم  
 محافظت قوسساخته حاکم گیلان روانه دارد ، و نیز یکصد  
 نفر قزاقی برای محافظت سفارت خانه طهران فرستد -  
 تعدد این دو دسته زیاد نیست و فقط مقصود محافظت  
 منافع خود است ، راست است که این دستور همیشه  
 جاری است که در قوسساخته ها و سفارت خانه های ایران  
 قشون محافظت گذارده می شود و در سفارت خانه انگلیس  
 نیز سواران هندی موجود است ، ولی این دسته  
 کوچک قزاقی روسی زاهد بر میزان محافظین قوسساخته  
 و سفارتخانه است - نتیجه این حرکت خیلی خوفناک  
 به نظر میرسد ، ما نسیم داریم که این جماعت ایران را  
 فتح خواهند کرد ، ولی رطایب ایران این چنین تصور  
 خواهند نمود که قزاقان روسی بجهت شاه فرستاده شده  
 و همین حرکت بلکه قوت منوی استبداد میدهد ،  
 آیا دولت انگلیسی این حرکت روس را اجازه  
 خواهد داد ؟

دورنامه یوورویا را عقیده بر این است که این  
 دسته قزاقی فقط برای محافظت افسران روسی که مجلس  
 ملی ایران را برآمد نموده اند فرستاده می شود ، در هر  
 صورت اگر این دسته قزاقی روس با ایران حرکت نماید  
 نتیجه این خواهد شد که شاه همه قسم رنظم و احصاف  
 خود بیفزاید ، و ملت چنین تصور خواهد کرد که اگر  
 زیاده بر این رای احقاق حقوق خود بایستند آزادی  
 مملکت را بد خواهند رفت - و معنی این حرکت بلکه گونه  
 مداخلت است - چه بواسطه مسلك مذنب روس  
 در دماغ اهالی ایران جای گرفته که اگر رطایب زیاده  
 بشاه سختی کنند بنابر مشوره ( ربول ) دولت روس  
 شاه را مدد خواهند کرد - بواسطه این خیال موهوم  
 بدون شك و شبهه این حرکت روس حالت ایران را  
 خوفناک خواهد نمود - و ممکن است جان و مال جمیع

رطایب خارجه در معرض خطر اولند  
 احدی تکذیب نتواند کرد که تا امروز اگر  
 صدمه بخارجه رسیده از قشون استبداد بوده - شاه  
 برای حفاظت تاج و تخت خود بلکه مشت هزده  
 قطاع الطریق را دور خویش جمع نموده بامت می جنگد -  
 و این سختیان بگوش او فرو نمیرود که این حرکات  
 ممکن است صورت مداخلت خارجه گردد ، بلکه پروا  
 ازین مسئله ندارد و آرزوی مداخلت خارجه را مینماید  
 جنابیه بر قایع نگار ( یوورویا ) که شخصاً با شاه  
 ملاقات نموده در ضمن ( انترویو ) چنین اظهار  
 داشته بود : من مانند امیرنخارا افسری روس و  
 فرمانبرداری او را منظور توانم کرد ، ولی مشروطیت  
 سلطنت ایران را قبول نتوانم نمود ، اگر بدقت ملاحظه  
 شود همان خیال غایی که در سر وی جا گرفته و همان  
 نقشه ناتیکی که برای طغیت خود کشیده تفتیب و پیروی  
 میباشد اهم بر اینست که کامیاب بشود یا نشود - اگر  
 مشروطیت ایران چنین خیالی را در کله خود می بخشد  
 اینقدر ما محلی ایراد نبود که بلکه پادشاهی ، آیا دولت  
 انگلیس بدین خیال شاه راضی تواند شد ؟ هر صورت  
 خواه رای تأیید روسهای درباری یا افسران روسی یا  
 مدد طلبی که روسیان بشاه داده این جوان مستعد  
 فروش ایران گردیده است اگر بتواند )

از مطالب مذکوره مبرهن گردید که تمام فسادات  
 ایران از شرارت روسیان است بلکه موقع یافته نقشه  
 خیالی این جوان را برای خود مسلم دارند ،  
 وزیر خارجه انگلیس دارد راه بی راهه میرود و  
 بخیال خود تأیید نکردن دولت انگلیس را بشاه متزی  
 قرار داده ، و جنان می بندارد که روسیان هم باو  
 تأیید می کنند ، و حال آنکه هر کس از پلتیک روس  
 واقف است شبهه ندارد که تأیید بشاه می شود  
 سرآمد دیگری میگوید که ما بشاه صلاح داده ایم  
 بلکه مشاورین بد را از دور خود دور و مشروطیتی  
 قائم نموده اشخاص دانا و خیر خواه را بکارها و  
 دارد ، بدون امضای مجلس ملی قرضه باو داده نخواهد  
 شد - ولی سیاستور انگلیس را عقیده این است که  
 مشروطیت تازه اهدا برای ایران لازم نیست - همان  
 مشروطیتی را که مظفرالدین داده و خود شاه سه نوبت -

امضا نمود و قسم خورده باید تجدید شود - و غالباً این امر مذاکره شده که سفارشی دولتین روس و انگلیس شاه را نماینده و درین خصوص نصیحت کرده اند، اگر صحیح است پس اراکین سلطنت و افسران روسی سکه شاه را در قبضه خود دارند نمی گذاردند معطل کنند، واقفان رموز میگویند که بعضی از اینک شامرا ضیاعند (قول نوبوریها) باسم محافظه سفارنخانه به دست قزاق میفرستند و معاً و باطناً ملت را مرعوب و شاه را جبری می سازند - اگر دولت انگلیس درین موقع خاموش ماند باید گفت که به شکست پلیدی بزرگ از روس خورده است -

قول نامه نگار طمس عقیده شاه اینست که روس او را تأیید خواهد کرد، و هیچوقت روس برخلاف سکه استبداد شاه حرکت نکرده روس اگر راست میگوید که شاه سلاح او را نمی پذیرد باید افسرانیکه در طهران دارد طلب کند، نه اینکه به دست قزاق بخواهد باسم محافظه سفارنخانه در طهران فرستد، چه مسلم گردیده منافع اروپائیان را در ارتعاع استبداد ایران هیچگونه تصانیف نخواهد رسید، بلکه نظر بسکه مشروطیتین اروپائیان را منافع و آسایش در ایران پیش از پیش خواهد گردید

### ترجمه منچستر گاردین

#### ۱۳ مارچ

وقایع نگار مخصوص اخبار مذکور از تبریز می نویسد، جنگ خونناکی بین مشروطیتین تبریز و قشون استبداد پیش است، محاصره تبریز تا کنون جاری و طرفین نقصانات عظیم را برداشت نموده اند، باید دید که در این میدان گوی مسابقت را کدام یک برآید این امر ظاهر است که تا کنون حالت شهر باین طریقی نرسیده بود، اردوی مرکزی مستبدین در (باسمنج) که سه میل شهر واقع است میباشد، صمد خان اردوی خود را در (قره ملک) آراسته نموده، قریب دانی ها در بواح شمالی اردوی حبیبی تدارک دیده و در صدد السداد راه جغایند، قشونیکه در محاصره شهر مشغول اند تماماً ۶۰۰۰ و مخازن رشت و اصفهان و تبریز یکدفعه مسدود است، و در

حقیقت بسصد هزار قوس بواسطه این محاصره در تنگی افتاده، عورات از کمی آذوقه شاکی و نجار بواسطه موقوفی تجارت فزیر شده اند، تا کنون لشکریان استبداد با حملات شدیدة که نموده اند غالب بر شهریان نشده و مرا یقین کامل حاصل است که این اردوسیه استبداد قادر بر فتح شهر نیستند

ستار خان و سایر مشروطیتین را حرف این است، تا وقتی که خون در عروق ما جاری است از کشش و گوشش مار نخواهیم آمد، حالت اردوی استبداد هم نیکو نیست، امروز در (باسمنج) رفقه عین الهوله را ملاقات نموده در ستر جاری افتاده بود، ما کمال خوش اخلاق با من پیش آمد، در خصوص قطع سیم تلگراف (اندو اروپین) با او گفتگو کردم که از این حرکت نه تنها آمد و شد خبر و تبدیل افکار بند شده، بلکه به قسم ناحتیاجی است بروس که محافظ این سیم می باشد، مشار الیه جواب داد من مجبور و مسلوب لاختیارم، معذک حکم برای تعمیر آن داده کسی از من نمی شنود، از همین بسکه مصکته انتظام این سردار بزرگ را درین اردوی جسم معلوم مینوار نمود

نظاره بسیار برای قانونی و عدم انتظام لشکریان استبداد موجود است، مثلاً یکی از افسران کبته تلگراف برای تعمیر سیم رفته بود او را حلت کرده فرارند، قوسل فرانسه که رسماً بملاقات عین الهوله رفته بود حایمه و حرکاتش را نظارت کردند، دو نجار اروپائی که یکی از اهل (سویز) و دیگری از اهالی یوان بود لشکریان استبداد گرفتار نموده حلت شان کردند، این واقعات میتوان گفت این ولت در ایران به تنها باید قانون مشروطیت قائم نمود بلکه مقدم بر آن قائم نمودن امنیت است

مشروطیتین را عقیده اینست که مقترب کارها بخوبی خاتمه خواهد پذیرفت، بسیاری عین الهوله هانه فرار بطهران است، صمد خان کرد هم حلت شده مقترب بجهاب خانه خود روانه خواهد شد، چه در این جنگ علاوه بر تصان، امید نمی هم که از قارت داشت حاصل نمود، حل خان با سواوان بخیساری اردوی عین الهوله مناقشه نموده، بختیاریان از اردوی عین الهوله

کتابه گرفتند و چون فرجه دافها مشغول بشارت دهات شاه دوستان و حامیان استبداد میباشند، دربار طهران مجبور بعودت دادن آنها شده است، باین وجوه محاصره تبریز منفرجه برداشته خواهد شد، قدیمه دربار تمام و بازار طهران کایه بند است

« ایضاً »

بندر عباس بندر بسیار معتبرست در خلیج فارس که بدست ملتیان درآمد و برکرم قبضه نموده اند، در حقیقت این امری است بسیار اهم، چه درجائی شروع حقوق طلبی شده که در آنجا ابداً از باشندگان فغناز و غیره که اسباب خوف بود نیست، و نیز خیلی از دخل شاه میگذرد و ر واردت مشروطیین می افتد اگر بوشهر و لنکه هم که بنادر دیگر خلیج است قیام نمایند باستبداد سلطنت کرد در ایران مشکل خواهد شد، در چنین موقع باریک دولت روس اراده مزید مستحفظین قونسلات خود را دارد -

( سر ادوردگری ) دیروز اظهار داشت که من خبر ندارم از اینکه دولت روس میخواهد رای مزید مستحفظین سفارت خود قزاق در طهران فرستد - مگر عمر (روز) روز یکشنبه تلگرافاً خبر داد که دولت روس ( ۱۰۰ ) قزاق بطهران خواهد فرستاد - خبر روز روسی نیست، اگر چه ( سر ادوردگری ) هم رسماً تکذیب نکرده ولی منصفانه باید این خبر خلط باشد، چه فرستادن یکدسته قزاق در طهران بهیچوجه ضرورت معلوم نمی شود و از این است که دولت انگلیس لزوم داد مستحفظین سفارتخانه خود را ندیده است، اگر بن خبر را تصدیق کنیم غرض از فرستادن این دسته است که منافع مشروطیین طهران را تهدید نماید تا با نه از در جنگ بیرون نرود و همدردی به مقصد وی ظاهر نباشد - و الا نه در طهران لزوم قزاق است و نه در رشت، چنانچه چندی است رشت بنیضه مشروطیین آمده در کمال امنیت و طبعه خارجه محفوظ اند - علاوه رشت واقع در کنار دریای خزر میباشد و جہازات جنگی روسی در آنجا بزودی میتواند وارد شود - در صورتیکه مشروطیین را اعتنائی در حفظ حقوق خارجه هم نه بود بازم از ترس مداخلات اجانب جان و مال رعایای روس در معرض خوف و خطر

نمی آمد - اگر لزوم فرستادن مستحفظین در طهران نیست پس در رشت بدرجه اتم نبیاشد - این گونه اقدامات روس مزید بر تشویش می شود - این خبر به تصدیق پیوسته که به قونسل روس مقیم رشت حکم شده که بین مشروطیین و مستبدین هیچگونه دخالت ننماید ولی این ایام باینندگان دولت روس درک ایران آ مذاکرات احکام روسی دولت خود را می نمایند به خانه قونسل روس مقیم رشت که زاید بر یک مرتبه مختلف از حکم دولت متبوعه خود نموده است - هر حال از زیاد قزاق روس در رشت بی ضرورت، اگر مقصود تهدید مشروطیین یا مداخلت است باید معلوم شود

« ایضاً »

ماکلتاً برخلاف عقیده ( بوویجا ) مستم که بسبب خوف جان رعایا یا افسران روسی دولت روس میخواهد یکدسته قزاق طهران فرستد، اگر افسران دولت روس از ظهور بلوای مشروطیین در معرض خوف تصور شود سبب این خواهد بود که دولت روس طرفدار استبداد شاه شناخته شده و از فرستادن یکدسته قزاق این خوف موهومی بدرجه یقین خواهد رسید و نتیجه آن قطعاً حمله بر طهران خواهد بود، و این دست کاری از پیش نخواهد برد الا اینکه حفظ سفارت خانه نماید، این امر بهیچ نوع ثابت نشده که منافع روس از مطالبه حقوق طلبی که مشروطیین دارند در معرض خطر باشد، تبریز صکله از مدنی دراز به اقتدار و سلطه مشروطیین است، اجسی از اهالی اروپا را قصان طالبی و جانی از مشروطیین وارد نیامده و اگر گزندی به آنها باشد از قنوط استبداد بوده و جاهائیکه در تصرف ملتیان آمده خیلی بر امنیت آنها افزوده است، درست است که ( سر ادوردگری ) وزیر خارجه انگلیس وقتی اظهار داشت که دولت روس حق آنرا دارد که بواسطه بمداخله مسلحه جان و مال رعایای خود را حفظ کند در صورت لزوم، نه اینکه محض خیال باشد، در صورتیکه خوفی نیست و محض توهم و بهانه مداخلت مسلح در ملکی طائفه قوانین بین الدول است،

در ۲۵ فروردی ( سر ادوردگری ) اظهار داشت که مداخلت در امور داخله ایران قطعاً ممنوع و برخلاف

امضای مجلس شورای ملی بهیچوجه فرض داده نخواهد شد. چون حالت حالیه ایران متقلب است مداخله مسلحانه بجا و مزید انقلاب تصور میتوان کرد

**تیرنگ نازده شاه**

تلگراف طهران که از یترسبرگ رسیده ظاهر مبدار است که بحسب صواب دید و صلاح سفراء خارجه شاه را اراده اینست مجلسی منعقد نموده قوانین مشروطه را از نو ترتیب دهد، اگر از این امر مقصود شاه این است که (سرادوردگری) یا دولت انگلیس را خریدد پس مکاری و خداری است و ادا اثر نخواهد بخشید، در ۲۳ فروری (سرادوردگری) اظهار داشته که رای وی کائناً مداخلت نمودن است، ولی محض خوشنودی دولت روس فقط میخواهد که صلاح بشاه دهد که مردمان قابل را در شوریه مقرر دارد تا بتواند قوانین مشروطه را بخوبی ترتیب دهند، و وزرای مکار را معزول کند که برخلاف مشروطیت و سبب طرابی ایران اند، (سرادوردگری) باز همان روز اظهار داشته که فرض اصلی ازین صلاح محض عمومی است و این امر اهمیت زیاد دارد چه اغلب مردمان قابل در ممالک خارجه رفته یا در شهر هائی که اقتضای جاری است قیام دارند.

شاه بهیچیک از این امور متوجه نشده نه وزرای بد اندیش را عزل نمود و نه مردمان قابل را از ممالک خارجه دعوت کرد و نه در اسناد و خونریزی اقدامی دیده می شود تا مورت اطمینان و اعتماد ملت گردد، بلکه همان وزراء بد اندیش را برقرار داشته حسب صلاح دید آنها مجلس ترتیب داد که احدی را بر چنین مجلس اعتبار نیست، شاه هرگز نمی تواند باین لطایف الحیل افکار کسانی را غبار آلود کند که از آثار امر همراه بوده اند، بلکه وقوع این قبیل خنده های تازه اعتبار و اطمینان شاه را پیش از پیش کم خواهد نمود و خاتمه اقدامات خادمانه او خواهد گردید

**واقعات کیلان ۲۶ صفر ۱۳۲۷**

(وقایع نگار ما)

از طرف کینه محترم سقار امر به نجس و تنصص حالات کردی میر قاسم پسر امین التجار که یک از مستبدین مجنون بود شد، در ۲۴ صفر او را دو منزل یک نفر روسی (دیگتر) نام پداهوده و قتل رسانیدند، هر چه پدرش این طرف و آن طرف دوید سودی به بخشید - بعد از قتل میر قاسم بر حسب خواهش اطام چه اعلان مغر عمومی صادر شد - از اعمال و افعال سلبت مستبدین صرف نظر گردید در سرورنیک باز

مرتکب حیانت جدیدی نشوند در اترلی وکلای نه گانه روز ها باجمن ولایتی رفته به نظارت حکومت کار میکنند - آقا میرزا کاظم خان رئیس کمرک خروجی قبول وکالت نموده و با وکلای در نظر است. بسیاری از مجاهدین (ژون برسان جوانان ایرانی) بسواهدید کینه محترم (سقار) در رشت روز ها مشغول مشق نظامی اند در حالیکه از هیچیک صدا بلند نمی شود - شریتمدار هلوز از حبس خلاص نشده است

حمید همیون روز ها بیرون آمده گردش کرده بتزل خود عودت می نماید - در اترلی مشغول جمع نمودن اطاه ملی اند، قرب بازده هزار تومان تاکنون وجه اطاه رسیده است

چهار روز قبل از طرف فونسل جنرال روس مقیم رشت در اترلی امر فرستاده شد که آنچه نیمة خارجه است بیری روس را در دکان و بالای سر در خانه خود نصب نمایند - و بنا بر حکم مشار الیه نیمة خارجه تمام در اترلی بیری روس را بلند نمودند - مشهدی یوسف علی، مشهدی حیدر تبریزی - حسن داداش ملازم آقا اسدالله میلانی - حاجی رضا علی اف پسران گل محمد اترابی - ملک پسر حاجی کاظم - مشهدی حسین کردی همه که رعیت ایرانند بیری روسی را بلند نمودند - معلوم گردید بتازگی در جزو کسان در آمده اند که دارای تذکره جعلی هستند و حال آنکه بقدری از برای نیمة ایران خوش میکنند که شرح نتوان داد

فرمانفرمای کیلان حضرت سپهبد اعظم ما دقت تمام در اعمال و افعال رعیت نگرن و محافظت کامل در حال آنان دارد - بهیچوجه تاکنون خساراه مالی و جانی برای رعیت داخله و خارجه پیش نیامده است - امنیت مالی و جانی بتوسی میباشد که قلم عاجز از تخریر و زبان از تقریر است - الحقی و لایصاف حضرت سپهبد اعظم و مجاهدین غیور کیلان خلبی همت نموده و با حاش حویث در راه نجات وطن مقدس بازی می نمایند

چهل و یک سنگر های متین تاکنون بسته شده و در همه آلات ناره تعبیه شده که در موقع لزوم بکار آورند -

دویست و شصت جبهه با پست قبل و وانه به عنوان بهمن بهرام در طهران رسیده که محتوی از فشنگ خالی بود، همینکه در اترلی وارد گردید مجاهدین رشت در اترلی آمده تمام را از پست گرفته با خود بردند - عدد فشنگها هشتاد و پنجاه بود

آنچه اطاعت یقی بلوان و آدرس حاجی محمد اسماعیل  
مقاره که طهرایمی می مانند وارد اتری می شود همرا  
باینده کتبه محترم (ستار) ضبط نموده تقبش می باید  
این امر برای آن است که اعمال و افعال او (که در  
طهران از طرف ملت نجیب ایران وکیل و باینده در  
مجلس بود) پس از اهدام مجلس مقدس آشکارا شده و حیانت  
و بی دینی او مکشوف طلبان گردید و ظاهر شد این  
مرد تا چه اندازه شامسون و استبداد پرست بوده است  
حریت پروران خارجیه برای کمک احراز دسته  
دسته باتری ورد و بطرف رشت رهسپار می شود -  
چهار روز قبل تلگرافی از انجمن ایالتی تبریز (و از  
سردار و سالار) باسم حضرت اشرف سپهبد اعظم  
رسید که پس از شکست قاجار که بر دولتبان وارد  
آمد عین الدوله بطرف طهران فرار و قصد خلق هم  
گریخته جلوگیری از ایشان در راه قزوین به نماید  
جی مأمور شدند که سر راه را بر آن نابکاران  
بگیرند -

شعاع السلطنه وفق وارد رشت شد اموال او را  
نخمس نموده بیست و پنج عدل بزرگ بود، مجاهدین  
سندوقها را در کمرک معاینه نمودند، تمام صندوقها بر  
ار محسنه قراقه و سرخ دریائی و کربه و سگ بود،  
تف بر این ریشی که بول مات را بخارجیه برده مقوای  
جاوران بر ایشان سوقات بیاورد

دیم باشی و حاجی علی فراشبندی و مادام  
دولابری را هم از کمرک اتری خارج کردند -

باینده روسی در اتری آنچه از طرف انجمن  
ولایتی امر صادر شود بدون گفتگو اطاعت می کند -  
(بندرگاه) اتری را سرعت هر چه تمامتر روسها  
مشغول تمام کردند

حالات اتری در کمال امنیت و آرامی است همه  
کارها از روی قانون و قاعده اسم شب هم در  
تمام ادارات فرستاده می شود و هیچکس بدون اسم شب  
نمی تواند بیرون بیاید -

تلگرافی از طرف حکومت باغ شاه باهالی رشت  
رسیده که مفاد آن این است که ما میدام اهالی گیلان  
در این بلوا شریک نیستند - چند نفر از اراذل و  
آشوب طلب این حرکات را نموده اند - تمام اهالی  
قالت بداند، سپهبد از طرف دولت حاکم گیلان نیست  
سر خود آمده شلونی را دیده دست خود را با مجانبند  
نموده است، طالبات به سپهبد ندهید، او امر و نواهی  
او را گوش نکنید، کناره از اشرار و سپهبد بجویید  
تا حاکم عادل از برای شما فرستیم (امضا هفت نفر  
از وزرا)

جوان که اهالی گیلان داده اند معادش اینست  
(بحکم رؤسای روحانی طالبات سلطان موجوده ایران  
دادن حرام است، شخص سلطان با استبداد را سلطان  
می دایم، او امر و نواهی سلطان حالبه را قبول کردن  
اطاعت از حرکات است، سپهبد اعظم از طرف ملت  
نایبند و فرط فرط است، همه گوش شنوا از او امر و  
نواهی حضرت سپهبد اعظم که خطایش باینده بدارد  
داریم)

(امضاء تمام اعیان و اشراف و کسبه گیلان)  
اصروف عظام السلطان پسر سردار انجم آقا بالاخان  
حاکم مقبول با کشتی یقی وارد و رشت رهسپار شد  
از اتری دو نفر از مجاهدین همراه مشارایه رفت که  
در رشت تحویل انجمن ایالتی نمایند، پست طهران  
نرسیده تا گذارشات طهران را عرض باید، ولی  
دکاکین بسته مردم بحال اولی باقی اند، تلگرافی از  
تبریز باسم حضرت سپهبد اعظم رسیده که عطف  
بطرف طهران حرکت می نماید

کسانی سکه با حساب قبی زاده همراه و فرنگ  
رهسپار شده بودند همه باز گشته و رشت رفتند،  
هر روزه هم دسته بدسته وارد می شود، ملك التجار  
پنهان است، معین التجار از ترس غضب ملت ابدأ  
دیده می شود، نکت شپرو خورشید ابدأ در گیلان  
یافت می شود

نگارش يك از دانايان وطن خواه بمبئی

﴿ ۲۰ ع ۱ - ۱۳۲۷ ﴾

(حلت نفاق بوشهریان)

میگویند (ملا بوس) نام یهودی قبیل از همه  
در زمین بهمنی چاه کنده آب شپرو و خوشگوار بیرون  
آمد، همینکه مساهلات بوشهر مطلع گردیدند هجوم  
آورده چاه را از کف وی ربودند (ملا بوس) که  
یکی از علمای یهود بود طلسم نفاق نوشته در سر زمین  
بهمنی دفن نمود، از آن بعد هرکس آب بهمنی خورد  
نفاق در صورتی با خلوص شرکت عمود از بیرو میتوان  
گفت که نفاق اهالی بوشهر اجباری است نه اختیاری  
و ای بر بزرگان که غلشا هم در این آب نفاق است

همچنان داناان وطن خواه بوشهر از وخامت طاقت  
نفاق کنونی واقف هستند؛ بحقیقت اسلامیت و اسامیت  
سوگند که نفاق بوشهریان در چنین موقع باریک نبش  
بر ریشه استقلال تمام ایران میزند، ما را کار باشخص  
نبست نومی سخن میگوایم، چه اگر نوعاً در جاده  
نفاق قدم نمی زدند اشخاص محدود قدرت نمی یافتند  
که آسایش نوع را برهم زنند، بکام عقل و دانش

اطمینان ملی و جان و جانچه بخارج داده بودید رسا بازگرفته بهانه دخالت و فرود آوردن قشون به آنها دادید؟ تف بر این اسلام خواهی ۱۱ اف بر این مشروطه طلبی ۱۱ آیا هیچ تصور نکردید این دخالتی که بنا بر تفاق خود بخارج داده یعنی خارج را دعوت نمودید بر سایر نقاط ایران از عظیم می افکنند؟ و سایر همسایگان را بهانه بدست مبدهد، چشم مشروطه خواهان وطن پرست با دیانت پوشهر روشن که بنا بر همین حرکت انگلیسان روسها در خراسان برعهده مستعظین خود می افزایند، از این حرکات میثومه مناقه نماید منتظر اثرات و حکم نبود میدانم آقایان مشروطه خواه پوشهر هیچ توجه بحرکات مشروطین شمالی ایران نه نموده که در راه مشروطیت از مال و جان و اهل و عیال گذشته دخالت بخارج داده یعنی مال و جان آنها را بقسی مأمون داشتند و از هر جهت ابواب بهانه را بروی آنها بستند.

اینکه تبریز است که یکسال تمام سلاح حقوق طلبی بدست گرفته هم از مال خود صرف کرده و هم قشون ملی ترتیب داده و فقرای ملت خود را سرپرستی کرده با دشمن جنگیده و امنیت هم قائم داشته اند و مال و جان و پایای خارج را بقسی محفوظ داشته که با آنچه بهانه جوش همسایه شمالی تا کانون نتوانسته فوره بر نفوذ خود در آن شهر بیفزاید

یا لاجب شما پوشهریان در سایه تفاق و شقاق خود میخواستید افتخار تاریخی تمام ملت ایران را درین دوره تاریخی بر باد دهید؟ چه با تفاق جمیع سیاسیون در انقلاب بلتیک هیچ مملکت چنانچه مال و جان و پایای خارج در ایران محفوظ مانده نبوده است، و در سایه سی و کوشش سه ساله ملت ایران این افتخار تاریخی حاصل شده است که بواسطه چند فر منافق خود مرض افتخار تاریخی بملکت بزرگ را در سایه خود پسندی بر باد دهند ای کاش پوشهریان از اهالی خیر ندر عباس سبقی حاصل میکردند، اهالی پوشهر اندا تصور میکنند که زین حرکات خود در صراط چه بدنامی تاریخی برای خود کسب کرده اند

اهالی خلیج باید بدانند که مشروطه خواهی عبارت از آن نیست که دخل هنگفت گمرا را تصرف کرده بهر گونه مائل باشند صرف و در بر کردن جیبهای خود بر سر هم دیگر مشت کوفته نا امنی شهر را باعث گردیده سنگتاییها را بظارت انگلیخته بهانه مدحیات بخارج دهند، آبا دقار اعانه که در تبریز، رشت، انزلی، استراباد، خراسان، و غیره و غیره برای مصارف اداره مشروطیت باز نموده و تمام مصارف را از جیب خود

می نمایند نشنیده اید؟ فقط وجوه گمراکات باید جمع و محفوظ ماند مگره باداره استبداد نرسد، چنانچه در آذربایجان و گیلان و خراسان و غیره است، اداره مشروطه را اهالی باید از جیب خود نموده و اگر خیلی تجاوز نمایند از مطالبات محل یا شهری به نمایند، مایه گمرا که در سرحد مملکت گرفته می شود اختصاص با اهالی همان سرحد ندارد، حتی بیرون ملت در وجوه گمراکی شریکند

بسیار خوب وجوه گمراکی را تصرف هم کرده بمصارف آلت هم دست گشودید چرا باید در سر خوردن آن تو سر هم بزیند و بهانه مداخله بخارج دهید، و مداخلت پوشهر را نظیر برای مداخلت سایر بلاد قرار دهید؟

ما از آقایان تبحار سؤال میکنم شما وطن خواهان که سر دین داری و مشروطه خواهی تان درد میکند و درین موقع باریکه بیرق تفاق را ملند کرده سبب این اتفاق ناگوار واقع گردیدید، تا دبروز که وجوه گمراک روزانه بطهران مبرفت و کلوه برای قتل برادران آذربایجان خرد میشد با آن هم احکام عمومی و خصوصی حصرات آیات الله بحض اشرف با آن همه مشوقین خارجی و داخلی هیچ کبکنتان گزید؟ هیچ دلتان برای وجوه گمراک - ولت؟ که مثل اینکه این چند روز که گمراک بدست مجاهدین آمده چیزی برل نوع خواهان خورد و سبب تفاق و این حرکات گردید پس باید گفت نتوانستید بر خود هموار نماید که (می خورد حریفان و من نظاره کنم)

چرا از ابتدا که انجمن منعقد شد دامن خیر خواهی بر گمرا زده از همان اول اطمینان نگارها بدادید؟ که چنین عاقبت و خلیبی را بار آرید؟ من بگویم کسایکه تصرف در طایفات گمراک کرده خوب کردند، ولی بجان عزیز خودتان شاهدتر گردید، شما مجاریکه اروپا را دوست کلید بگذاشته کورش ساختید، با این همه میدانم قباحت حرکات خود را فهمیده، و در صدد اصلاح آن برآمده اید؟ یا هنوز بحیالات قائده خودستانی و خود خواهی هستید؟

ای غیرت مندان، ای وطن خواهان، ای اسلام پرستان، ای مشروطه خواهان، بیاید بر خود رحم کنید، بر اسلام به بخشید، بر استقلال شش هزار ساله ملیان فضل بنماید، بر زحمات دیرینه و جفا نشانیهای بر درن تبریزی و سایر نقاط ایران نظر شفقت کرده، در سبب دیکدیگر داده، غراض شخصی را کنار گذارید در مقاصد نوعی قدم زید، و گوی نیک نامی را بر آید اگر ترک تفاق نکو اید فوراً استبداد بر شما استیلا



یا که دمار از روزگار یگان یگانه بیرون خواهد آورد، بر صبر و کبیرگان رحم نخواهد کرد، بر دوست و دشمنان نخواهد بخشید، همتیان را بر باد خواهد داد، و دست تصرف بر سر و ناموسان دراز خواهد شد، بر فرض که استبداد را قوه نماند باشد، مشروطین سایر بلاد این مرکز مهم را ملعبه دست چند فر مغرضین و منافقین نخواهند گذارد لابد از سایر جاها بر شا آخته دودمان منافقین و مغرضین را بر باد خواهند داد

پس شما دانایان راست که دست اتحاد بیکدیگر داده، حکومت با نفوذ وطن خواه منتظمی برقرار داشته کاملاً امنیت ملی و جای بخارجیه داده ماجلا عدم ضرورت مستحفظین خارجی را ثابت کرده آنها را از همان راهی که آمده اند باز گردانید و وجوه کمره را از افراط و تفریط محفوظ داشته، اگر خود مانند سایر بلاد همت ندارید که مصارف چندی متحمل ضروریه شوید و مالیات محلی هم کافی ازین مصارف نیست و یا فعلاً حصول آن دشوار است با کمال ملاحظه مقداری از مایدات کمره را با دیانت و حساب و نظارت انجمن بمصارف ضروریه برسانید، و نگذارید استبداد دوباره بر شما استیلا یابد و وجوه کمره خلیج را گلوله و ماروت ساخته بر سینه بی کینه برادران آذربایجانیتان زند و کلای دانای بر فرض کارکن و حسب قوانین مشروطیت انتخاب نماید، امروز موقع کار کردن است نه وقت نام بردن و بزردگی بجا فروختن و عداوتهای کهنه را تازه نمودن، اگر از خودتان بر نمی آید متوسل بجهت الاسلام لاری شده تا رفع این هیچ و هیچ را ازین نقطه مهم فرطاید

ای اهالی خلیج طلم را بر خود بلکه بر تمام اهل ایران مهندانیید، اقل حفظ شرف خود و فرعهای بی جای خویش را بکنید فکر کنید که اگر خدای ناکرده خارجه برین مرکز استیلا یافت تاجر و اعیان موجوده را با حالهای کنونی فرق خواهد گذارد من شرط بلاغ با تو گفتم

**تکرات انجمن سعادت بهین الدوله**  
( ۲۷ صفر ۱۳۲۷ )

توسط انجمن ایالتی حضرت اقدس والا شاهزاده بهین الدوله  
توفیقات حضرت سپهبد و حسن قبول ملت برگزین اسباب اهتاد است که حضرت اقدس با کمال اطمینان مکنونات خاطر مبارکرا اظهار وسعادت وطن

را بر تمامی ملاحظات مقدم گرفته علمدار حرمت و سر حلقه جیش ملت باشند ، معلوم است تحصیل آزادی ایران ماضی را فراموش دطارا حلقه بگوش اتحاد میکند ، البته اطلاعات واسعة حضرت اقدس این همه دعوتهای خالصه و رنانق تاریخی اهمیت داده از مرکز محضر استبداد اهراس خواهند فرمود منتظر بشارتیم ( انجمن سعادت )

**تکرات حضرات آیات الله نجف اشرف**

حضرت سپهبد اعظم در رشت ( و حضرت مصمم السلطنه در اسفهان ) تبریز محصور ، حیات فوری ، دفاع عاجل بر هر مسلم واجب

محمد کاظم خراسانی - عید الله مازندرانی

**ایضاً**

**به اسلامبول**

از تکرات بشارت غلبه احرار تبریز کمال مسرت حاصل سلام ما را بایشان ابلاغ و دوام تأیید شان را داعی ، اطلاعات تبریز ، رشت ، اسفهان ، سایر نقاط همواره مقصد تکرات سردار اسعد از محرمه واصل باغاق سردار ارفع مشغول اقدامات

محمد کاظم خراسانی - عید الله مازندرانی

**تکرات حضرت اشرف سردار ارفع**

( از محرمه باسلامبول )

تکرات بشارت آمیز انجمن سعادت را در مظنرت برادران آذربایجان که جناب مصمم السلطنه تبریک نموده اند موجب تشکر گردید، گوش وطن پرستان صادق همیشه باستماع این گونه اخبار مترصد، از خداوند عزیز توفیق میخواهم البته از اخبار بنادر فارس که ملت اداره امور را بدست گرفته و اقدامات اهالی شیراز در طلب مشروطیت خاطر شریف مستحضر است منتظر خدمات ( خزعل خان - سردار ارفع )

**تکرات تبریز به بندر عباس**

( خمره ع ۱ )

توسط انجمن سعادت - بندر عباس حضرت حجة الاسلام آقای حاج سید عبدالحسین جنید لاری دامت برکاته قلباً تبریک عید و فتوحات آن خطه را می نایم همواره مؤید و منصور باشند، بعون الله قوه تبریز هم کامل، فتوحات بیدری حاصل، مخالفین در شرف اضمحلال ( انجمن ایالتی )

حبل اللین کلکتہ  
لیکل کالج استریٹ نمبر ۴

و کلا فمه دار ابونجات مشترکین اند  
بدل ابوتہ اخبار پیشی گرفته میشود

قیمت اشتراک  
سالانہ -- شش ماهہ

Habul Matin Office  
MEDICAL COLLEGE STREET  
CALCUTTA

نامه مقدسه

# الماتین

کلیه امور اداره با  
مدیر کل مؤیدالاسلام است  
هر دو شنبه طبع  
و سه شنبه توزیع میشود  
یوم دوشنبه  
ربیع الثانی ۱۳۲۷ هجری

هند و برمه  
۱۲ روپہ -- ۷ روپہ  
ایران و افغانستان  
۴ قران -- ۲۵ فرانک  
عمانی و مصر  
۵ عییدی -- ۳ عییدی  
اروپا و چین  
۳۰ فرانک -- ۱۶ فرانک  
روس و ترکستان  
۱۰ منات -- ۶ منات

سنه ۱۳۱۱

(مراسلات خصوصی بدون امضای معروف)  
(اداره درج نمیشود)

مصادف با  
۲۶ اپریل ۱۹۰۹ میلادی

## واقعات جگر شکاف تبریز

(یا موقع ناشناسی و رسمی سایر احرار ایران)  
در شماره سی و هفتم شمه از خدمات تبریزیان  
غیور و مصائبیکه خصوصاً درین ده ماهه اخیر مجید  
طبقات آنها وارد آمده ، و تکالیفیکه اکنون بر فقراء و  
افغابای آن شهر غیرت خیز وارد است نگاشتم و از  
ششاه باین طرف ذرایع مختلفه و بیانات متنوعه حالی  
نمودیم که همسایگان خود طواه تا دربار مملکت ما را  
باین مرجع و مرجع باقی نخواهند گذارد ، فعلاً که اسباب  
عدم دخالت آنها موجود است کار را بیکطرفه نموده  
استقلال وطن را حفظ نماید

(من چه گویم اندرین ده زنده کو)  
(سویک آب زندگی بوینده کو)

افسوس که ایرانیان بی حسن موقف سیاسی  
خودرا نشناخته باریکی موقع را ندانسته وقت غلیمت  
خودرا از دست داده حرکتی کردند ولی مذبحخانه ،  
بموضع حله بطهران وقام وقع ریثه استبداد مستبدین  
را مهات دادند که با اطمینان خاطر جمیع قوای خودرا  
دور شهر تبریز جمع کرده کار را برآن جوان مردان  
تا این درجه تنگ نمایند

اینک چهار ماه است که غالب بلاد ایران از قیام  
خود طالی را متوجه بخویش ساخته متأسفانه درین مدت  
مدید نه کک مالی به تبریز رسانده نه اسباب حواس برقی  
مستبدین گردیدند ، و برای حله بطهران هنوز درصده  
گرام نمودن تدارک صحیح اند ، با تصدیق دارم که آنچه را

آن غیرمندان که نزدیکند ملاحظه میکنند ما که هزاران  
فرسنگ دوریم نتوانیم دید ، ولی هرگز نتوانیم تصدیق  
نمودیم که مرابطات الا هم قلاهم را در اقدامات خود  
نموده اند ، ورنه جنیدی قبل اقدامات لازمه را کرده بودند  
که کار باجبا منتهی نشود ، و یا کک طالی و رجالی  
به تبریزیان میسایند ، که کار آن غیرمندان بدجای  
نکشد ، چه بر طلبان روشن است که سختی کنور  
تبریز را سببی جز تنگ دستی فقرا نبوده و نیست ، در  
سورت گسایم هم آن غیرت مندان شجاع تسلیم ضیق  
معاش اند نه مطلوب سلاح مستبدین ، اینک هم مرجع  
تسلل شود کارها درهم برهم تر و مداخلات خارجه  
پیش تر خواهند شد ، تلگرافاتی که این حقته در واقعات  
ایران خاصه تبریز رسیده ازین قرار است  
( ۲۷ ع ۱ - ۱۹ اپریل )

سختی اوضاع تبریز روز افزون است ، و فقط چهار  
روز خوراک براسه اهالی باقی مانده ، قوسلهای  
خارجی با اردوی محاصر تبریز در گفتگو و سالی اند  
که این تکلیف را شاید رفع نمایند  
از پتربورگ خبر رسیده که دولت روس يك دست  
قشون باسترآباد روانه میدارد  
روزنامه ( رچ ) می نویسد - که ترکات در  
استرآباد دو هزار نفر را بتل رسانیده  
چنان تصور میشود که سفرای روس و انگلیس  
آخرین مشوره و نصیحت دوستانه را عنقریب بشاه  
خواهند نمود

برای اجرای معدن نفت ایران در انگلستان کینی قائم شده . کینی معدن نفت برمه که سرمایه دو میلیون پرا قائم است برای ترقی خود مدارك نموده نفت ایران را در معدن بدیهه لوله‌های آهنی تا خلیج فارس خواهد رسانید ، و انتظام آن با دولت انگلیس خواهد بود . ( ۲۸ ع ۹ - ۲۰ اپریل )

در مرسلات رسمی خود روس و انگلیس کاملاً شاه داده بد که اطلاعات ایران روز بروز زیاد میشود و بعد آن او را بصیحت کرده اند که بطرف مشروطیت باز آید و این نکته را هم بوی حالی نداده اند که هیچ يك دولتین هیچگونه تأیید نخواهند داد ، و فرض نخواهند داد با اینکه مجلس ملی منعقد گردد . ( ۲۹ ع ۹ - ۲۱ اپریل )

بحر روز در طهران خبر میدهد که شاه بعد ملاقات زملقات با بیدکف روس و انگلیس امتنع نموده است .

بحر روز از طهران خبر میدهد که سفرای روس و انگلیس را با شش روزا وای جنگ تبریز را خواستگار شده ، تا درین مدت مردم شهر بیطرف از جنگ که میدهد و در مرسلات خارجه را از حجاب خود فکر آذوقه نمایند ، چه این تهیه را با مابین مرسلات بعضی دخالت خارجیان است تا ملکه ازین تنگی معاش بیرون آیند یکی از کشیشان امریکائی که جوان و موسوم به ( اسکرویل ) و تأیید مشروطه خواهان قدس دانگی راست کرده و سردار لشکری بود که در تهیه فرامی خوارك حرکت کرده بود بقتل رسید .

موجب تلگرافی که از پتربورگ رسیده خواهد بود دولت انگلیس دولت روس حکومت قفقاز را حکم داده که برای محافظه رعایای خارجه و رساندن خوراك با آنها مشون ، تبریز روانه دارد . ( ۳۰ ع ۹ - ۲۲ اپریل )

موجب تلگراف پتربورگ ملاحظه التوای روسی جنگ در تبریز حکومت قفقاز را امر رسیده که در فرستادن قشون ، تبریز تأمل نماید ولی از مداركات قشون صرف نظر نکند .

دیروز جنگ بسیار سختی واقع شد و یکصد و شصت نفر از ماتیان تبریز مقتول و مجروح گردیدند ، تهیه خوراك برای مردمان بیطرف از جنگ بسیار دشوار است چه خوراك شهر نمی آید و طلب کردن از خارج جاربان میباشد که موجود نیست . ( ۳۱ ع ۲ - ۲۲ اپریل )

سفرای روس و انگلیس با شاه ملاقات نموده آنچه را لازم میباین حضور بود فهایده ، شاه نیز

بغیر شنبه و جواب را داده بچند روز بعد داده است بحر روز از طهران خبر میدهد که در التوای روسی جنگ که نمایندگان روس و انگلیس واسطه بود در اردوی دولتی منتناً بر یکی از مقاطع مهمه ملتیان حمله و ایضا نموده اند ( گویا آن یکصد و شصت نفر مقتول و مجروح احراز هم درین حمله خادگاه و حرکت و حشابه دواتیان واقع گردیده است .

سفری روس و انگلیس برای حرکت قشون دوات ( که در التوای روسی جنگ را ماتیان حمله نموده ) سخت اعتراض کرده اند . ( ۲ ع ۲ - ۲۳ اپریل )

ملاحظه اینکه شاه با ردوی دور تبریز حکم التوای جنگ نموده ، انکار سرعت قشون روس رای حفاظت اروپائیان طارم تبریز می شود .

در شوری ملی انگلستان سر دورد گری و بر خارجه محواب ( مستر آبی ترور گری ) بیان کرد که دفع خرابیهای کنونی بران ملخصراست بر اینکه شاه با اصلاحات لازمه سر فرود آورده ، شر ادیشان اطراف خود را خارج کند ، و مجلس شورای ملی را منعقد سازد ، در این مواد دولتین روس و انگلیس بشاه چند روز است نوشته اند .

( ۳ ع ۲ - ۲۴ اپریل )  
موجب تلگرافیکه ز پتربورگ رسیده ( جنرال زسبرگ ) حکمدان قشون که ، تبریز میروند متعجب گردیده است تلگرافی از طهران رسیده که شاه در وقت حوزم بالتوای جنگ حکم نموده در رسانیدن بار دوات تبریز تعویق پیش آمده است .

بحر روز از تبریز خبر میدهد که تمام دکاههای ناوان شد و خیلی دارد از گرسنگی میمیرند ، بسیاری از زانف خانه های خود را ترك گفته در کوچه ها مداد خواهی نمایند .

ستار خان کرارا وحدا اظهار میدارد که هرگز تسلیم بدواتیان نخواهد شد در پتربورگ ر با دولت روس اعلان اشاعه داده که قشون را که ، تبریز روانه نموده پس از املیت آمجا عودت داده خواهد شد .

( ۴ ع ۲ - ۲۵ اپریل )  
بحر روز از طهران خبر میدهد دو هزار قشون روس با دو توپ خانه از ناپلیس بجانب تبریز حرکت نموده .

تلگرافا از لندن خبر رسیده که املیت در پوشهر بر جهت قائم و طرف قارت مرتفع و گان نمیرود که مجرد با املی پیش آید .

( ۱ - ۲۶ اپریل )

شاه بدون مبادالتوای جنگ امر نموده و حکم داده که غیر معین و محدود آذوقه بشهر حمل شود ( پس از آنکه قشون روس را به تبریز دعوت نموده التوای جنگ و رسیدن آذوقه بشهر طبعی است )  
 شاه و ملتبان هر دو مہوشند ازین مداخلت مسلحہ روس ( این افواہات محض پر کم کردن است ورنہ دامایان رموز سیاسی میدانند کہ این جوان وطن فروش از دیرباز است قشون روس را باذربایجان دعوت می نمود و در رساندن حکم التوای جنگ را مہماہ دست روس داد )

• • •

از این تلکرافات همچو ظاهر می شود کہ چون شاه خلف عهد نموده و در التوای جنگی کہ سرمای روس و نگلیس واسطہ آن بودہ و ملت اطمینان داده بودہ خلف وعده کردہ بدین اقدام دولتی عبور شدہ ، عبارت اطری میکنند کہ ما این لشکر کشی را حمایت ملت تبریز برخلاف شاه نموده ایم ، ہایت اسم محافظہ رعایای خارجہ و رساندن آذوقہ بد آنہا نیز بروی اوست ولی دامایان رموز میدانند اینہا مستمسکات پلٹیکی است ، چہ این جوان ملک فروش از آغاز سر روسیان را باذربایجان دعوت می نمود ، روسہا ہم مستند حرکت شدہ انگلیسہا ہم تصویب نمودہ ، دو نکتہ مانع آنہا گردید

اول قہ اولیہ عاہدین آذربایجان جناحی جان ایام ستارخان اعلان داد کہ تراقاٹ روسی را بدیج اسم و لباس نخواہد گذارد وارد تبریز شود ، آن ایام ہم بہین ہمانہ بود و میگفتند قہازہایک حمایت مات آمدہ نمیدہ ہو ، ماد قوسلات خارجہ را ،

با مانع دیگر شان عثمانی بود کہ در حوب روس حاضر شدہ ، کہ او ہم قشون وارد تبریز نماید ،

اینک از یکطرف بواسطہ طول محاصرہ و قات آذوقہ اعلالی عبور تبریز را کم زور یافته و از طرف دیگر عثمانی را ہم در کار خود پریشان و مبتلا دیدہ ، وقت را خیمت داشتہ خیال دیرین خود را اجرا داشتند رموز پتیک خلیل طامض و تشریحش سی دشوار و مشکل این است کہ بعضی از مسائل تشریح بردار نیست کی کہ در پردہ بشاہ شدہ و تا امروز استقامت نموده نام بواسطہ رسیدن چنین موقع بود ، کی مباداست انقلاب عثمانی در یکی دو ہفتہ باین درجہ بالاگیرد و این مانع قوی روس صریح کردہ ، این است کہ ما متصل فریاد زدہ و میزیم کہ ہر وقت موقع غنیمی دست آید نباید از دست دادہ باز ہم میکنو ایم کہ اگر ملتبان ایران

بہ جستی مجتہد ، و مرکز ستبداد را بدین حال آروزہ گذارند ، و ہرج و مرج مملکت را سرہما رفع نہ نمایند ہمین وضعی کہ امروزہ در آذربایجان پیش آمدہ در گیلان و خراسان و اصفہار و شیراز وغیرہ پیش خاہد آمدہ فرداشتہ پس از رسیدن قشون روس قوای استبداد از دور تبریز برخاستہ بگیلان آیند ، چہ گمان عبود بعد از ورود قشون روس اردوی عین لدولہ دور تبریز قیام نماید چہ آرزوی آنہا بر آمدہ ، چند ہم در گیلان نکمک های سری کہ تا کنون بشاہ ددہ بد اردوی دولتی را استقامت داده ناوقتیکہ شکل تبریزش در آوردہ ، و از آنجا نقل بجای دیگر خواہند کردہ ، یکدفعہ چشم مار خواہیم کرد کہ صد ہزار قشون دولتی دوتیہ مختلفہ ایران نامہ نگاہداری امنیت و محافظہ مال و جان رعایای خود موجود باشند

بر فرض حال ہم کہ امروزیت دولتی ملک گیری باشد ، ولی پس از آنیکہ جنیدی در ایران بوقف نمودہ ہمان حکایت مہر خواہد شدہ و بیرون کردتوں کار حضرت قبل خواہد بود

چراہ این درد بی درمان و حلوگیری ازین واقعات ما گوار منحصر در رفع ہرج و مرج مملکت است ، و رفع ہرج و مرج از ایران موقوف بر آن است کہ طاحلا حہ طهران شدہ بارلمان را قائم نمایند ، و سرہما امنیت برقرار شود

امروز تکلیف ہر ایران وطن خواہ و ہر متدین اسلام برست است کہ درین مادہ کوشش نمودہ نگذارد یار لشکر خارجہ در خاک ایران ریشہ نماید ، حضرات آیات اللہ و رؤسای روحانی ما ہم تکلیفی عظیم بر اینہا دارد کہ دگرش اما نیست ، اللہ طاحلا باید انجام دہد ، عدم حلوگیری بجہا ترقی روس در اشد سبب بن ازہیاد گردید کہ گفتگوی دو ہزار پیش آمدہ ، اگر ہوری حلوگیری ازین اقدامات بشود بہ دست ہزار و دویست ہزار سرمایا خواہد زد

بعقیدہ جہی از مؤثقیں ما اطلاع از ایند دست آمدن در انقلابات ایران داخل بودہ جناحی مکرر مادرین ، ضوع اقوال دیگران را نوشتہ ایم و ناآنون کہ ، دو وقت بول از آلمان بشاہ رسیدہ ، و سبب استقلال وی گردیدہ است ، و ملت آنکہ میگنند ہزار دولتی ہم برشاہ مؤثر می شود سبب همین است ، پیش قدمی عثمانی ہم در صرحہ آذربایجان و تحدید مسئلہ سرحدی کہ بیسال است نام ایرانیان را مشوش داشتہ ہمین برہمین نکتہ است ، اخبارات آلمانیہ در مسئلہ آذربایجان ملاحظہ راہ آہن بغداد و آسیای کوچک خلیل زعمہ دارند ، جناحی این

ایام بنویسند که باید دولت آلمان در رفع مناقشات ملت و دولت ایران دخالت نماید، و جراند روس و را عقیده این است که برای تسلیم و تربیت قشون شاه جنرال آلمانی طلب نموده و قرصه جدیدی هم بنک آلمان بشاه داده، این است که انگلیس و روس به جریدیک عثمایی را که انگشتر گردان آلمان دو انقلابات آذربایجان بود گرفتار دیده حداً بدین مقصود قیام نموده امنیت آذربایجان را اعظم وظائف پلتیکی خود دانسته تا بدین وسیله ادکی رقیب را از خیالات خویش عقب اندازند

این جاغت چنین بنده است که روس و انگلیس حامی مشروطیت و استقلال ایران اند بنا بر رقابت و مخالفت آلمان و امروزه نفع خود را درین دیده اند، و اینکه فشار سخت بشاه می آورند که البته مشروطیت را بدهد و بار بار در پارلمان انگلیس و زبرخارجه جدأ عدم دخالت را در امور داخله ایران متمسک شده است آن است که بهانه بدست شاه نیوفند که متوسل بآلمان شده و بر احم دخالت دهد

ولی ما کار بان نداریم که این سخنان صحیح یا ستم اغلوطة پلتیکی یا تدابیر سیاسی است، همینقدر بدنام برای ایران دخالت خارجه هرکس و هر اسم باشد هم قائل است و خلاف عقل است که ما حسابات را گذارده در غیر محسوسات به پیچیم، ما می بینیم که امروز روس علناً بهانه های غلطی قشون در آذربایجان وارد نموده است ما اینکه میباید بمقتضیات پلتیک کنونی دنیا روس آذربایجان را نتواند خورد، چه مناقشه عثمانی هم طولی نمیکشد، و قشون روس هم خیلی زود عودت خواهد نمود، ولی قول یکی از سیاستمداران «خفتن در گهواره رقابت منتهی بخواب مرگ میگردد» لذا ملت ایران راست که حداً کوشیده پارلمان را دتر و هرج و مرج را از مملکت دور نموده رفع بهانه مهملان تازه وارد را کرده آنها را جواب گویند ورنه مسلم است که نتیجه خواب در گهواره رقابت، امروزه فردا مرگ ابدی است

این نکته را هم ناکفته میگذاریم که اگر مسایگان طماع درین پیش خیمه مداخلت از ملت ایران ورؤسای روحانی آنها را محسوس مشاهده نمایند بدون شبهه رقابت را از بین دور و خانه طارا را درواری تقسیم خواهند کرد، یعنی حیات رقابتی ما را هم تمام خواهند نمود چه بقای رقابت هم تا درجه منوط به ابراز حرارت ملی و بیداری حسن ملت است

من با یک صدای رسد آسا که جمیع طبقات خلفه

ایران را بیدار کند فریاد میزنم که «ایرانیان بی حس کم وجدان، اگر وطن خود را دوست میدارید، اگر استقلال و آزادی ملی را طالب اید، و رؤسای روحانی ایران اگر دیانت شعاریشان زمانی نیست، اگر اسلام خواهیشان مصنوعی نباشد، باید از بیای و نشینند و از مال و جان و فطره خون خود دریغ ندارند، و از ائتلاف مایو با فوس مقدسه خویش نهراسند و راضی نشوند که یک کف از خاک ایران قبضه اجانب درآید هرملت که مرعوب مسایگان خود باشد بدون شک و شبهه از استقلال ملیت خود باید چشم پوشد ایرانیهارا بدین خاک مذلت نه نشاند مگر مرعوبیت از روس، حال هم اگر شنا شود بهمان مرعوبیت باقی مانند باید چشم ازین مملکت اسلامی بلکه از مذهب اسلام به پوشند، کار از آن گذشته که نزاکت بین المللی را بهانه مرعوبیت خود قرار دهند، ایرانیان باید بدانند قوت ده روس در پیش قوای ملیة جهل کرور فوس اگر با حسن و صاحب حرارت باشند هیچ شمار است، روحانین راست که بدو اتحاد نموده قوای ملت را متحد ساخته در چنین موانع اهمی سکوت نموده مشروعه بازی را اسباب بی اساسی قرار ندهند که بر اسلام و مسلمین حکم هم قائل را دارد، اهالی ایران از یک مشت اهراب مراکش کم نیستند، اگر مراکویشها مرعوب شده بودند فرانسه ها آنها را خورده بودند، ولی اقدامات روحانین و ملت تمام باید پس از تمام حجت قانون باشد

### ترجمه طلسم - ۲۳ مارچ

بجاء غر قزاق دولت روس و مستعظمین قوسلخانه خود در رشت افزوده جمله آنها نصبت فرماید - این تدارک روس خاطر خواه بنظر می آید - چه قفقازیان در آنجا مشروطیتین مانع شده و از شرکت آنها خوف بلوا و خلاف روس میبود -

احرار طهران بر اضافه نمودن مستعظمین قوسلخانه روس در رشت اعتراض نموده و اظهار داشته اند چون در هر مقام که مشروطیتین استیلا یافته جان و مال خارجه نامون بوده این حرکت فضول است

(۲۸) می رسید، احرار تبریز دیروز جمله مستعظمین محاصرین نموده آنها را عقب نشانده از طرفین قصابی زیاد برداشتند، این جمله اثرات وزینی ظاهر نموده چه محاصرین از نزدیک بمقام دور تر رفته باز همان اثرات بر محاصره شهر باقی است، احرار تبریز را مقام یاریکی رسیده چه دهات اطراف شهر را محاصرین نیست و تا بود کرده ازین رو مشکل است

آنانرا بزودی قوی بسزا حاصل بشود. طریق آمد و شد کاروان را هم بهم قارت قشون دولت یکدفعه سد نموده. ققرای شهر از قلت ارزاق بستوه آمده و نان هم روزه در شهر کم یاب تر می شود. شیراز- همدان و جانتک با متهای آرامی قبضه مشروطیین در آمده است.

بواسطه قتل چهار نفر متحصنین حضرت عبدالعظیم خیالات طامه اهالی طهران درباره تشاه بزشتی تبدیل شده است

(۲۹) می نویسد صایع الدوله رئیس اول دارالشورای ملی و وزیر مالیه سابق که يك از قادیین مشروطیت است در سفارت خانه انگلیس بناهنده شده.

چنان مستفاد می شود که وجهی به تشاه رسیده مقدار آن غیر معلوم در اجنصوص که از کجا و از کی یافته افواه زیاد است.

عین الدوله عمداً سفینه نجات انگلیس را که هفت هزار تومان بوده قارت نموده است.

شاهزاده عین الدوله حاکم عربستان و سردار رفیع شیخ خزعل طمان حکمران مهران و سردار اسعد بختیاری حرکت بجانب اصفهان نموده توأم تلگرافی تشاه رده اند که ما رطایای خان شار خواست می نمایم که مجلس پارلمان را ا همان قانون اساسی اولیه بزودی افتتاح فرموده ایران را از مذلت نجات دهند. تشاه بن تلگراف را از غضبی که بر او استیلا یافته بود پاره نموده است

از قتل چهار نفر از متحصنین حضرت عبدالعظیم مایندگان روس و انگلیس سمعت بشاه اعتراض نموده و منزل حکومت تازه طهران را خواسته اند

سفارت نمایان مقیم طهران از دولت متبوعه خود طاحلاً مزید مستعظنین سفارخانه خود را خواستگار شده است

### ترجمه مارشک بست (۲۰ مارچ)

بموجب خبریکه از طهران به (نوپورجیا - ورسکو سلوو) رسیده تشاه بکلی انکار نموده اراعلان دستخط مجلس شورائی که وزراء قرار بود از مایندگان ملت نموده در ماده پارلمان گفتگو نمایند. نائب السلطنه هموی تشاه که سامی در انعقاد این شورا بود اینک متفق با رأی

امیر بهادر شده. سعدالدوله که خود را مشروطه خواه حلوه میداد اربن امتناع تشاه ظاهراً خود را رعیتده ظاهر نموده زبان میگردد استعفا خواهم داد

(نوپورجیا) مینویسد که انقلاب طهران هم روزه بالا میگردد ملتبان سخت آمادگی بروز میدهند افواهاست که ملتبان برای مغلوب ساختن تشاه در حرکت اند. این نیز افواهاست که مشروطیین رشت که فعلاً در قزوین اند با دسته های دیگر احرار طاحلاً بجانب طهران حرکت خواهند نمود

در جواب هیئت وزراء تشاه چنین اظهار داشته (من هیچوجه زبربار قبول مشروطیت سلطنت محوامم ردت. تمام هم من بر این است که قوای شخصی را قائم دارم. و بازار مسای طهران را هم به ضرب توپ بار خواهم ساخت)

ایضاً ۲۳ مارچ مینویسد - وقایع نگار (نوپورجیا) با سعدالدوله در بر خارجه ایران ملاقی شده از انقلابات کلوی ارن برنش نموده سعدالدوله اظهار داشته که جز افتتاح پارلمان جاره دیگر نیست. مداخلت خارجه در اجموع بارک خیل خوفناک است. ابرایسهار بیین کامل است که بموده ملی تمام مشکلات مملکت خود را آسان تواند نمود. و خان و مال خارجه را امن و امان خواهند داشت. و برخلاف خارجه هیچگونه حرکتی در طهران ظاهر نشده است

فالق بر هزار نفر ملتبان رشت با توپ خانه و بمب بطرف قزوین حرکت نموده. تصرف این شهر بین دو سه روز مسلم است. درصد میلی رشت احرار قشون دولتی را بر خورده آنها را شکست داده اسلحه و قورخانه دولتی را ریخته فرار نموده اند و تمام غنایم احرار شده است

وقایع نگار محموص مارشک بست می نویسد که در قزوین یکشنبه ملای ملوا بالا گرفته و شهر قبضه مشروطیین در آمد

اجبار (بج) و (ماشاگرت) مدلاله اعتراض و پروتست مینمایند مداخلات روس در معاملات ایران و مینویسند سال گذشته دولت روس مداخلات نمایان را بدم دخالت خود حلوگیری نموده پس اگر روس مداخلتی باید دعوی نمایان را ثابت خواهد کرد

سفرای روس و انگلیس بروست سختی از حرکات و احتیاطاً رحیم خان قراجه داعی بشاه عموده اند -

اخبار مذکور ۲۹ مارچ مینویسد، وقایع نگار ( یوریچیا ) از طهران خبر داده که اعلان براسیے انعقاد مجلس شورای وزیران و نمایندگان ملت مرتب شده بود که در اصول پارلمان آتیة ایران و پیشرفت کارها بحث نمایند - ولی تاکنون شاه دستخط نه عموده - سبب هم این است که شاه را بهایی سنگت دست آمده و فعلاً میتواند مواجب قشون و دربار و اخراجات دولتی را تا چندی بماند، اینوجه از کجا و بچه طریق باو رسیده معلوم نیست، ولی مسلماً از خارجه است - عیاض قزاق روس بادو توپ وارد رشت شدند،

قوة مشروطیین رشت ( ۲۰۰۰۰ ) بشهر آمده - دو توپ کوهی و چهار توپ میدانی و بمب و نارنجک بسیار هم دارا هستند - چهار نفر آلمانی در بکار بردن سرنگ های زمینی در سنگرهای ملتیان مشغول - ملتیان رشت پول زیادی از داخل و خارج رای ندارند جنگ و پیشرفت کار جمع عموده اند -

طالب اهالی طهران منحصن در حضرت عبدالعظیم شده - قوای شاه ازین قرار است :- محافظین باغ شاه ۱۵۰۰ سراز و ۶۰۰ سوار و ۱۰۰ توپچی، فراولان طهران ۵۰۰ قزاق - ۲۴۰۰ سراز و ۲۵۰ توپچی و ۲۰۰ ژاندارم میباید، در سماعت روس فقط ۲۵ مستعظنین موجود است

وقایع نگار اخبار ( رج ) خبر داده که ستارخان مانع بر هزار نفر تمام - لاج - طرف قزوین که دست حرار آمده روانه عموده است، لیاکوف در باغ شاه از خوف حمله احرار استعجابات می نماید

ابضاً ۲۷ مارچ مینویسد - سازش بعضی در انقلاب کامل روشنائی جدیدی در واقعات تاریخی مشرق زمین ظاهر میدارد، پادشاه افغانستان میداند که چگونه باید با اهالی يك مملکت که متغیر از وضع استبداد شده رفتار نماید، ولی شاه ایران می تواند اهالی شهرهای تحت حمله را از خویش راضی بدارد -

ازین نکته بخوبی ظاهر می توان عمود که مقام محمد علی بحای تاریکی کشیده و نفوذ و اثرات مشروطیت

اندک اندک بعضی قشون باغ شاه هم سرایت کرده است، که از اطاعت شاه علناً سر بیچی نموده در حقیقت حالا محمد علی مانده و يك همارت باغ شاه که از قزاق های لیاکوف محفوظ است - درست اگر ملاحظه شود طهران را بدست احرار - عموده و لیاکوف را در میان آنها گذاشته است -

اگر چه سر بیچی يك جماعت از قشون آری همیق بر شاه نخواهد ادا شد، ولی مشروطیین را قوه زیاد خواهد داد، شاه ابدأ اعتماد قشون موجوده طهران ندارد و مستعظنین عمود را منحصر بدسته قزاق ایرانی که که کادان آنها لیاکوف است نموده

### توجه دیلی تلگراف

( ۲۲ مارچ )

تلگرافی از تبریز رسیده که ۲۶ شهر حال ملتیان شکست - حتی بارهوی استبداد داده احرار غالب شده و نیز خبر رسیده که نارنجکی احرار در اردو بیعی عین الدوله در ( باسماج ) انداخته تمام قشون هراس افتاده - غالب دهات و قصبات بین تبریز و سوقیان را قراجه دغی با طارت و خراب کرده اند

ابضاً ۲۳ مارچ مینویسد - بواسطه از دیاد مستعظنینکه روس در قوساطخانه رشت عموده ملتیان وسماً بسفارتخانه های دول بروست کرده اند، که با آن همه توجهیک احرار بمحافظه مال و جان خارجه دارند این اقدام روس فضول و بی عمل است

در رشت ابدأ خوف حمله از استبداد نیروود - چه قوای دولت غالب در اطراف تبریز و بعضی در قزوین معطل مانده است

۲۴ مینویسد :- احرار حمله بر قشون استبداد که در خارج ( مارالان ) معین شده بود برده غالب را کشته و باقی را اسیر گرفته اند

آبهای ماشینی تبریز را مستبدین خراب نموده عمل حیاز شاه خیلی سخت است، و نیز آبهای آبی که در شرقی خارج شهر بود عین الدوله خراب نموده است

۲۵ مارچ مینویسد :- ناخبر ( وستوسلو و ) روس از طهران خبر رسیده که يك مبلغ هنگفتی از دولت آلمان شاه رسیده است

۲۷ مارچ منوبسہ :- طاقت مجلس شورا سے وزراء و نمائندگان ملت کے بنا ہوا منعقد ہوا۔ امروز فراہم شد۔ نمائندگان ملت حاضر ہونے سے قطعاً بعض از قاطبہ و تجار و ملاہای شاہ پرست کے علناً مخالف مشروطیت شناختہ شدہ حاضر ہوئے۔ وزیر خارجہ کے بنا ہوا تقریری بنایا نہ کرے۔ و نتیجہ از آن مجلس ظاہر نہ کرے۔

بوجب خبریکہ از تبریز رسیدہ چهار ساعت کامل بین اردوی مستبدین و احرار جنگ قائم بود۔ شجاع الدولہ کے سردار جیش استبداد درین میدان بود شکست خورد۔ در جانب شرقی تبریز ہم جنگ شدیدی پیش آمدہ در آن میدان نیز قشون استبداد شکست یافتند۔ لشکریان ستارخان اموالی کے بطرف قراچہ داع حمل شدہ بود تمام را منصرف شدہ۔ اہالی تبریز از قلت ارزاق بستہ آمدہ اند۔

### ترجمہ دیلی نیوز ۲۰ مارچ

محاصرہ تبریز جاری طرفین اردو و ملت منتظر نتیجہ تبریز اند۔ اہالی تبریز بدون استغناء مشغول مشق نظامی اند۔ غالب برای پیشرفت کار و بعضی ہم بجهة ادارہ معاش خود۔ در میدان تبریز کے قرب نوبختانہ و صد ہزار قشون بخوبی میتواند در آن مشق یابد شخصاً حاضر ہوں۔ و واقعات تاریخی کے در اہانت کسی یاد نہادنت مجسم دیدم۔ تمام معزین و اعضاء انجمن ایالتی و بالغ بر بجہ ہمراہ سید (بنی علی) تنگ بر دوش کشیدہ مانند یک از افراد سرباز مشغول مشق نظامی ہوں۔ درحالیکہ مزینگان ملی بنوای خوش اہلی مترم بود۔

پس از ظن مشق ہر دستہ ستارخان اسنادہ تقریر سے نمود۔ از طرف دیگر نیز واعظین و مطاقین ملی بنصایح ملت کوشیدہ حرکات شاہ را مخالف اسلام میکشند۔ اگرچہ نزد خیریان این واقعات چندان دارای اہمیت نیست۔ ولی در اہالی شرق این گونه افکار نادر و تاریخی است۔ بزبان آسان است گفتن کے تمام طبقات یک ملت برائے استقلال مشروطیت بدگونہ اقدامات خالصہ کر بندند۔

شیخ الاسلام با مجتہد بزرگ تبریز بتازی تلگرافی بشاہ نمودہ و صاف حلی کردہ است کے پارلمان را

ماجلاً بدمد۔ و مردم را پیش ازین نیارود۔ کے پیشانی خواہد شد وقت کے پیشانی را سودی نباشد۔ سفرای خارجہ محققاً ہیج گونہ اقدام ہوتی نہ ہونے اند۔ روسیان افواہ اداختہ سے تہیز تسلیم خواہند شد۔ و ہمیں افواہ نادرچہ سب سستی اقدامات سار بلاد گردیدہ است۔

حکومت مرید کے از جانب عین الدولہ است پست اروپا را تصرف و جمیع مراسلات را گشودہ۔ نگارند۔ نیز چند اوراق را پورٹ داشت کے گرفتار بچہ ظلم و گردید۔

افواہیکہ قفقازیان در قشون ستارخان خلیل شرک دارند چندان مہرون بصواب نیست۔ آنچه تحقیق شدہ فقط ۲۰ ہزار قفقازی و ۱۲ ہزار روسی و چند کرجی در اردوی ستارخان موجود است۔ ولی شک نیست کے این جماعت قلیل کار ہای پایاں کردہ و در سالن نارنجک و بمب ہای مختلف اوستادند۔

بوجب تلگراف (فرانکفور) برخی از قشون باغ شاہ باقی شدہ۔ وزیر جنگ قزاقہا را برای حفظ شہر مقرر داشتہ است۔

۲۷ مارچ منوبسہ :- پس از تعمیر سیم تلگراف جفا معلوم شد کے قشون دولت کامیاب شدہ۔ و نتوانستہ جفا را مسخر دارد۔ فواہ است کے شاہ ہدایا سے سیار نزد سردار اکراد فرستادہ کے در جنگ تبریز قشون دولت را ہمراہی ناپند۔

۲۸ مارچ منوبسہ :- شام یکشنبہ کے شب نوروز بود شبہوں سحت اردوی عین الدولہ احرار در (با سنج) زدہ۔ ۲۸ ہر کشتہ و شش ہر اسیر آورده روز دیگر جنگ سحت واقع و غنیمت سیر ضبطہ احرار آمد۔ جون اردوی استبداد موفق فتح تبریز نہ کریدہ۔ کاملاً در این نقشہ کار میکند کے جلوگیری از ورود ارزاق کے تبریز ناپند کے شاید این اسباب تسلیم تبریز یافت شود۔ ولی استقامت کے این اسباب سوزنی ممکن است کے قشون دولت را آوقہ و پول برساند۔ اردوی دولت جمیع دہات و قرات اطراف تبریز را غارت۔ اجارہای اہالی را منصرف شدہ امور خود را سے گذرانند۔ شک نیست کے اگر خوراک کے تبریزان نرسد خونریزی سحت بطریق ہوم واقع



خواهد شد، دستة ارتشون دولت که در (حکم آباد) بس از شکست و فرار رفته حرکات کرده و به قسمی آنچه را حراب و ویران نموده اند که ذکرش مورت شرم عوامل انسانیت است، وحشی گری قشون دولت مدرجه است که باموال خارجه دست درازی و بست را قارت و سیم تلگراف را هم حراب میکنند، این حرکات نیست مگر اشاره دربار باغ شاه که روسها بستوه آمده مداخلت کرده اند که سرکوبی مشروطیین ازین راه بشود، شاه سرپرستی روس را برای خود بهتر تصور میکند نسبت به پادشاهی مشروطیت و - بردن مملکت خود را باجانب نیکوتر می پندارد تا بدست رعایای خودش آباد باشد

اگر تبریز قواکمی خود را ملحت و تسلیم شد اقداعات سایر بلاد دست نخواهد شد، بلکه بلوا شدیدتر، و حوهای خون در جمیع شهرهای ایران از طام و خاص جاری خواهد گردید

درین حادثات مداخلات روس بیشتر تصور می رود و اگر چنین شود روس اقتدار زیاد در ایران حاصل خواهد نمود، و شاه در آن حال سرپرستی روسیان قرار داد خود را که بسفرا داده معمول و مجلسی نام منفذ خواهد نمود بر طبق میل خود که آنچه بخواهد کند، و هر قسم میلش باشد سلطنت را بکفوفه برآورد در اصول لشکر کشی آنچه در تبریز ملاحظه شده طرفین بی اطلاع و از قواعد جنگی عاری اند، تاکنون حملات، و تراه ای که قالب و مغلوب ظاهر شود از هیچ طرف دیده نشده، اگر چه مدافعه تبریزیان خیلی قابل تعریف و تمجید است، ولی امید ندارم که تدارکات کافی شده احصای امور را بتوانند نمود یعنی محاصره بشکنند، طرفین ساسی اند که در سنگرهای خود جنگ کنند، و این فکری جنگ را خیلی بطول خواهد انداخت

امروز خبر رسیده که رئیس ایل قشقایی شیراز را تصرف و اعلان مشروطیت داده است

۲۵ مارچ مینویسد - در مباحثه دبروز پارلمان در مسئله ایران طرف عظیمی که از معاهده دولتین روس و انگلیسی پیش آمده بود (سرادوردگری) و بر خارجه خواست تا درجه بر طرف نماید و الزام

را از روسیافت در برخی مداخلات از قبیل عزید مستحفظین مرتفع دارد، چنان اظهار داشت که ما تاکنون رحسب قاعده اقداعات نموده ایم ولی مجبور به پای بندی آن نیستیم، این نکته که ما کفالت آزادی ایران را کرده ایم یک گونه محبت است نه اینکه در هر موقع و هر مقام از جزئی و کلی پای بند بر آن باشیم، علاوه بر این ما بطور یقین تاکنون اظهار داشته ایم خیالات خود ما را که مداخلت در امور داخله ایران تمام و یا مجبور به باز داشتن روس از مداخلت باشیم دربارۀ لیاکوف که پارلمان ایران را حراب نموده سرادوردگری اظهار داشت که این عمل به نصیب دولت روس نه بوده، علاوه مسئله است میان شاه و روس که باید فیصله یابد، و ما را حق بحث و مداخله در آن نیست

ولی ما در جواب این قول سرادوردگری سابق نوشته ایم ادله را که روس رسماً تصدیق نموده است حرکات کرنل لیاکوف را، اگر حرکات افسران روسی جنابجه عقیده ما است مانند باید تصدیق کرد که شاهی ایران به نفوذ روس واگذار شده

در ماده عدم لزوم ازباید مستحفظین قونسلخانه رشت همین قدر کفایت میکند که جمیع قونسلات حتی قونسل روس تسلیم نموده که در رشت انتظام امور کامل و در نهایت خوبی انجام کار عالی ملکی را مشروطیین می نمایند

اگرچه سرادوردگری دیشب هم تجدید نفوذ که ما هرگز بشاه فرض نخواهیم داد، ولی درست گر ملاحظه شود خود را سبکدوش نموده از اینکه اگر روس بخواهد بدهد، و اطمینان میدهد بر اینکه دولتین موافقت نموده امور لازمه را بشاه حالی نمایند

تعمیمیک ما از تقریر سرادوردگری استنباط نموده ایم شاهی ایران را به نفوذ روس تسلیم و خویش را بی اختیار می نماید، و میگوید بر طبق معاهده که بسته شده غرض ما همین بوده که شاهی ایران در نفوذ روس و جنوبی آن در نفوذ خود مان باشد، و امروز هم اقداعات روس برای جلب منافع خویش است نه در راه منافع دیگران، هرکس از حالات روس آگاه باشد بخوبی میداند چه خیال دارد، و ازین معاوضه خسران که ما نموده ایم بقدر حقوق بیچارگان را پامال خواهد نمود

نقل از روزنامه شریفه خراسان

نگراف مشهد بستان

خدمت حضرت مستطاب اشرف ارفع والا  
بر فلوله دامت شوکتہ، البتہ بسمع طالی رسیدہ کہ محض  
ترویج احکام مطاعه مبادی طلبہ اهالی خراسان از  
کلیه طبقات اتفاق عمودہ تفکیک انجمن و اقامہ مراسم  
مشروطیت کردہ نامی خلق را این متفق الکلمہ اندہ  
توجہ حضرت سلطان الاولیاء ارواحنا فرہ واقدمات  
محبیۃ اهالی اصلاً فتنہ و فساد روی دادہ، باینوضع  
حالیہ اگر کاشتگان حضرت اشرف والا موافقت با  
مراسم مشروطیت و احکام انجمن میفرماید و اصلاً  
مخالفت بظہور نمیبرد نام الواقع و حسن المطلوب، مردم  
خراسان ہم همین طور حاکم مشروطہ خواهی از خدا  
خواہانند، و اگر خدای نکرده اقدام بموافقت نشود  
ملاحظاتی چند رحمت و انصاف حضرت اشرف  
بالا اولی و اسب است، تشریف فرمائے حضرت والا  
سوی درد سر و فساد حاصل نخواهد داشت زیادہ  
رأی رأی حضرت والا است. (اسد اللہ الحسینی، محمد  
بن محمد کاظم - ابراہیم رضوی - محمد علی قاضل -  
دبیح اللہ توجار - زن العابدین الطوی، رئیس الطلاب،  
محمد باقر الرضوی مدرس - محمد علی بن ابو محمد،  
محمد طاهر الرضوی - حسن البرسی - حسن کاظمینی  
عبدالرحیم مدرس - شیخ الحرمین - عبدالحسین بن  
عبدالرحیم، عبد اللہ الحسینی متولی مسجد - مرتضی الحسینی،  
محمد رضا - اسماعیل الحسینی - محمد علی نسینی -  
ابوالقاسم - محمد فی - محمد الشریف الرضوی - رحب  
علی بر عبدالمجید الحسینی - قائم مقام التولیہ - قوام التولیہ -  
محمد حسن بن احمد معاویہ التجار - ناظم التولیہ الحسینی -  
غلامحسن - شجاع التولیہ - حاجب التولیہ - وزیر وظایف -  
منتصر لک، نائب التولیہ - خازن التولیہ - رئیس دفتر  
آستانہ - محیی الرضوی ناظر - دربان باشی - مؤید التولیہ -  
عباس لوسوی - طیرضا الرضوی - نعمت اللہ  
الرضوی - احمد بن محمد حسن الرضوی - نائب  
علی اکبر - سید آقا کوجک - محمد حسن . )

نگراف مشهدیان بہ طهران

در جواب شیخ نوری

بجندة ولكہ در ارض اقدس حکس در مقام

شرارت نیست، کلیه طبقات از علماء اعلام و وجود و  
ایمان و نجار و کسبه و غیرہم بموجب احکام مطاعه مبادی  
طلبہ در انعقاد انجمن و مراسم مشروطیت اتفاق عمودہ  
بکلمہ و احدہ تشکیل انجمن و ترویج احکام شرعیہ  
اللیہ را نموده اند، اصلاً کاری کہ موجب خلاف قاعدہ  
یا بنقضی باشد اتفاق نیفتادہ، چارہ ہم تصور نمیشود مگر  
بمساعدت و همراهی اولیاء دولت کہ چند مرتبہ بمواعید  
مردم را ساکت کردہ و اصلاً در مقام انجام نیبرده اند،  
حلقہ اگر خراسان و رعیت خراسانرا میخواستند، غیر  
از مساعدت و موافقت چارہ نیست، والا قہراً این مطلب  
انجام گرفتہ و خواهد گرفت، مدعی است بر هر مسامی  
واجب است کہ از جان و مال دو مقام ترویج احکام  
شرعیہ مضائقہ نکند

(الصد علی بن حیدر اللہ الحسینی - محمد علی قاضل)

ایضاً جواب بہ شیخ نوری

این روزها تلگرافاتی از شہر ہر یک از آقایان

رسیدہ زیادہ از حد بخیال خود در مقام اصلاح جان  
کنندہ اید، ولی مبنای کارت از اول بر فتنہ و فساد و  
خوربزی بودہ و عسرت، سنگ طبقہ علمبیہ شدی، دین  
را بدینا فروختی، و احکام حجج اسلام لازم الاتباع را  
رد کردی، تمام کارت را غلطہ و اشتباه کاری، دو مرتبہ  
این فضولہا را نکن کہ بدہ بیشتر از رویے کارت  
برداشته میشود

انجمن اهل حق خراسان - اسد اللہ بن صدر الدین

حسینی - قائم مقام التولیہ - محمد باقر الرضوی -

مرتضی الحسینی - محمد بن محمد کاظم - دبیح اللہ -

محمد علی الشریف بن ابو محمد - شیخ الحرمین - حسن -

دستخط مبارک حضرت

آیة اللہ آقای خراسانی مدظلہ

بہ اہل خانہ استرآباد

جناب جلالآب اجل سلالہ دودمان مسطوفی  
ملاذالایمان والارکان آقای ایلمار دام اقبالہ ملاحظہ  
فرمایند،

مرض میرساند - انشاء اللہ در صراط المستقیم حق

نابت و از جانب داری شیبیان مظلومین جد بزرگوار

خود تان مأجور و نائل بجنایات طلبیہ دنیا و آخرت

خواہید شد - مراتب همراهی ملازمان اجل دام اقبالہ

با ملت در تأسیس اساسی قوم مشروطیت و قلع و قمع  
بنیان استبداد که ملشاء جور و ستم بر اهل عالم بوده  
و هست بر احقر و تمام اسلامیان معلوم و دعاهای خیر  
بجبهه آن جناب مینمایم و امیدواریم هر جبهه منصور  
و مؤید گردیده موجب رو سبیدی و مفاخرت در  
خدمت اجداد طاهریین خود سلام الله علیهم فرام  
بیاورید

سابقاً هم در این باب سفارشی بجبهه ملازمان  
عالی نوشته اینک نیز بجبهه مزید اهتمام و تشویق آنجناب  
ذمت میدهم که ملازمان عالی در انجوع که قابل حق  
و باطل است و فراغه طقیان کرده میجووانند شریعت  
پیغمبر صلوات الله علیه عمو و عباد الله را بندگان و عیب  
خود نمایند، از مجاهدین و احوان اسلام محسوب میباشید  
و هرکس از خوانین عظام با جناب اجل موافقت و همراهی  
باید نیز اشکر اسلامند و عزله اهل بدر هستند در مقابل  
کفار قریش، صریح مینویسیم که ملازمان عالی و سایر  
خوانین و ارکان و همه احوان مسلمین تکلیف  
خود را دانسته باشند و فردای قیامت عذر بیاورند،  
که حقیقه مطلق و تکلیف اسلامیت خودشان را  
نداشتم، احکامیکه در حرمت دادن مالیات بشاه سفاک  
ظالم و حرمت اطاعت و همراهی کردن با آن ظالم از  
ناحیه شرع اقدس به مهر احقر و اعلام دیگر صادر  
و در بلاد ایران خطا و عکساً نشر شده است همه آن  
احکام واجب الامتثال است، هرکس حقیقه اسلام را  
دارد البته اطاعت خواهد کرد و در زمرة مسلمین  
خواهد بود و هرکس تخلف باید از حکم صاحب  
شریعت امام عصر حضرت حجة الله ارواحنا فداء تخلف  
کرده است و از اسلام خارج است و بر مسلمین واجب  
است که چنین شخصی را از دوره اسلام دور نمایند،  
زیاده لازم نیست والسلام علیکم

( من الاحقر محمد کاظم الحراسانی )

ادبیات لارستانی

بسم الله تعالی

الا ای آنکه شد مشهور عالم ظلم و ظلمیات  
فزاید دم بدم بر جور و پیداد فراوانت

زکف شد ملک ایرانند <sup>نوز ای شاه در خواب</sup>  
شویسید بیدار آندیدم کافق اندر گور و برانت  
جو انگریزی و اقدامات ایل <sup>تارس نشیدید</sup>  
گذر ایسه ز شیراز و <sup>نکر شیراز دورالت</sup>  
یکی چون آیه الله حضرت <sup>محبی العدالت بین</sup>  
جناب حجة الاسلام <sup>لاری دشمن جانت</sup>  
دگر شیخ مجاهد شیخ انصاری <sup>انباشا کت</sup>  
که چون فرمان روا گردید، در جبهه کهستان  
جه شبخی آن مژر پشته عدل و جور <sup>دان مردی</sup>  
چه شبخی آن گل بستان <sup>غیرت کان ایامت</sup>  
جناب سید از لار و جناب وی <sup>زا کوهستان</sup>  
طرف با تو شدد از ابتدای <sup>قض بیانت</sup>  
بیان کردند احکام حجج را <sup>هر اهل کز حق</sup>  
ز منع طالبات دفع <sup>مال و حق سباحت</sup>  
زلارستان <sup>بیشی آگه ای شاه جفا را پیشه</sup>  
که چون شد باک از لوث <sup>وجو که پهلوانت</sup>  
تمام سبه جات پنج جات تا <sup>خلیج فارس</sup>  
صطبانات و نیریزت <sup>دگر سیرجان قو کمرانت</sup>  
تمامی منصل از حیطة <sup>فرمان تو گزینت</sup>  
بعضی ملت آمد آنچه <sup>بد در دست امجدیانت</sup>  
نظر در (فدک) <sup>اهداز و بین آقا باک لر را</sup>  
که چون کردان لر <sup>کردست جانش را بریانت</sup>  
بد آن این زیاد از <sup>قائلان حجة الاسلام</sup>  
شربید رابع آن <sup>مدتول ظلم که آل شیلانت</sup>  
دو نسل تا نجیب <sup>سگ قوام الکفر ز لارستانی</sup>  
که در عصر تو گشتند <sup>آن درون فرعون امانت</sup>  
محمدی که دید آن <sup>کافر بیدین جزای خود</sup>  
ز قیر یاوران مات <sup>آری مردان میدانت</sup>  
سر محمش فرستادند <sup>در لاری ارمغان ما</sup>  
نقش را سوختند <sup>ازلی آتش بیداد سوزانت</sup>  
بیا در (سلطان آباد) <sup>از و ناما یکدم گذاری کن</sup>  
نظر کن جسم <sup>بهر منافذ روح ضعیف (عد) سلطانت</sup>  
ز دارایی تو فاضل <sup>تا بد ملای ای شه تا کنون سوابی</sup>  
نهی دانی که <sup>چون خالی شد از امان و پادانت</sup>  
به بین سالار <sup>ونما تر الهوله ترا کان دو علم زاده</sup>  
چه سان <sup>کردند و و اندر فرار از قهر بردانت</sup>

شد اینک قلمه ( داراجبر ) از لطف حق و بران  
 که بد دار الفسوق هر يك از حکام و اهوانت  
 همه اسباب آفات دفعه شد از دستت  
 ز توپ سوزنی و وز خنک وین و اللسانت  
 در آور بنیه ففتت ز گوش خویش ای شاهما  
 شتر از جه افطار و حوانب شتم شاینت  
 بجز از شتم و طمن و آه و غریبت دگر نبود  
 شعار مرد و زن پیر و جوان انسان و حیوانت  
 که از بندوات و از سواحل با خبر این دم  
 که چون شد کوكب بختت خریق بحر رحمت  
 همه سرمایه جاه و جلال و اعتبار تو  
 بنام بود و کرکضاهاییه ظلم بنیانت  
 برنت آنهم ز دست تو بجمده الله وللسنه  
 دگر خود باشی و شه زاده خام بدر سلطانت  
 به بین جز شیخ ناری و امام شنبه طهران  
 دگر باشد که در ایران دعا گو و شسا حوانت  
 ز حالات خوانین (گراش) ای شاه گر گویم  
 گام گر کنی اصفا بروت آید زین جاننت  
 بند آن ناکسان هر يك جو دیوی در قد و قامت  
 بخون خویشتی غاطان شدند آن جان شارات  
 شد آن روستاهان از کال حق نادان  
 محارب با خداوند و رسول از نص قرآنت  
 نورا از فرط بیدینی خدای خویش بگریزند  
 بدل سکردند حکم خالق خود را بفرمانت  
 از ابرو منقرض گشتند از پرو جوان بکمر  
 بدوزخ منتظر بنشسته مشتاقان و خواصانت  
 کمان داری که خود جازا بری سالم از این میدان  
 نمان زندگی خوانند مردم شاه ایران  
 که آگ تو ای ابن زیاد از نان مختار  
 که باشد منتظر تا برد از تی سر در ابوانت  
 ( نگارش آقا میرزا علی نقی ملاح لاری )

قتل یومیه جبل التین منطبقه رشت

مکتوب سفارت انگلیس

بوزارت خارجه ایران ۱۱ صفر

جناب مستطاب اجل اشرف عالی سعاده و وزیر  
 امور خارجه دولت علیه ایران دامادیه . با کمال افتخار

خاطر مبارک آن جناب اشرف را مستحضر میدارم که  
 دیروز تلگرافی قریب به مضمون ذیل از تبریز واصله  
 « اردوی دولتی در مقام محاربه با ملت مروض  
 انگه علی الرسم با مجاهدین مسلح ملت که براسی  
 استرداد حقوق حقنه خود قیام و تا آخرین قطره خون  
 خودشان ایستاده اند نمایند ، در نهایت وحشی گری  
 و بیرحمی بر اهالی دهات بسلاح بطرف اطراف  
 همه زان و اطفال بیچاره را میکشند و خانه هایشان  
 را آتش میزند »

تلگراف از لنکرود بطهران

حضور مبارک وزراء محترم دربار معدلت مدار  
 مملکت محروسه ایران ادام الله اجلالهم . امروز در روزنامه  
 نسیم شمال صورت تلگراف آن وزراء عظام دربار را  
 ملاحظه نمودیم ، خیلی عبرت است که اینطور اشتباه  
 کارها می نمایند ، چه وقت وظایف ایران با پادشاه خود  
 یابی شده و مخالفت سلطان نموده اند ؟ متها حقوقی را  
 که مرحوم مظفرالدین شاه داده و اعلیحضرت هابونی  
 هم تصویب کرده در حفظ آن قسم ها یاد نموده اند بعد  
 از دست ما جیرا گرفته میخواستیم ، همه ماها بچشم خود  
 میبینیم که تمام دنیا در زیر سایه این مشروطه و عدالت  
 بچه مقامات طالبه رسیده اند و صاحب جکوه قدرت  
 و ثروت شده اند ، مگر پادشاهان آنها سلطنت نمیکنند  
 و قدرت ندارند با رعایای آنها را یابی میکنند ؟  
 خردمان را هم به بینیم که چندین سال با بحال زندگانی  
 چه درجه ذلت و مسکنت تحصیل کرده ایم . اگر مقصود  
 دنیا داری است همه اهل علم دنیا شایسته در نعمت  
 مشروطیت آباد است . اگر فرض آخرت است حجج  
 اسلام ما وجوب آنرا حکم فرموده اند ، دیگر چه  
 جای تردید است و چرا نمیگذارد اعلیحضرت هابونی  
 این مشروطه را مرحمت و رعایای مطیع خود را  
 شاکر نماید و نام نیک خود را در صفحه تاریخ روزگار  
 باقی گذارد و مثل یکی از سلاطین بزرگ دنیا با کمال  
 قوت و قدرت سلطنت نماید ، ما اهالی گیلان محال است  
 باین حرفها دست از حقوق خود برداشته خود را  
 به بیدینی و بی شرفی معروف دنیا نایم و تا به تفر از  
 ماها زنده هستیم احکام حجج اسلام را اجرا خواهیم  
 نمود - حضرت سپهبدار را هم عنی حفظ آسایش و

آقا حسین قلی ، میرزا شکرالله بلو کباشی ، ظاهر بیگ  
محمد آقا بیگ ، میرزا عبدالغنی سرتیب ، خان مهدی  
خان ، آقا اسحق ، سار امانی که حاضرند بجاہ نفر

تکراف لامیجان - بطهران

حضور مبارک و وزراء عظام دام اجلالہم ، امروز  
روزنامہ ( اسم شمال ) طبع رشت را ملاحظہ نمودیم  
تلگرافی از طرف آن وزراء محترم دربار درج شدہ  
بود کہ بموم علماء و اعیان و ملائکین و رعایای گیلان  
مخبرہ نموده بودند خلیجی جای تعجب شد کہ نسبت مبادی  
رعیت و پادشاہ افتادہ دست از جان ما رعایای بچارہ  
بر نمیدارد و عبت اسباب زحمت خود و مردم ر  
فراہم مینماید ، رعایای ایران ہمیشہ پادشاہ پرست بودہ  
و مستند مرکز مخالفت با پادشاہ خود نکرده اند و  
ما ہم مخالفتی نداریم ، فقط چون مشروطہ را شاہنشاه  
مرحوم داده و اہلبصرت ہایوں ہم امضاء فرمودہ  
بقرآن قسم خورده اند حجج الاسلام ما ہم کہ پیشوایان  
دین هستیم و جواب آنرا واجب دانستہ اند و بدر  
مہربان ما بہ تحریک بعضی مفسدین اورا گرفتہ اند  
نصد استرداد آنرا داریم ، بحسب احکام حجج الاسلام  
مجبوریم اطاعت حکام و فرستادگان ہیئت عالیہ تمام  
و مالیات ماہا بدهیم دست از مذهب خودمان نخواستیم  
برداشت والا امتحان نمایند ہ بنید بعضی اعمال  
مشروطہ از طرف اہلبصرت ہایوں جگہ مملکت  
امن و تہا رعایا مطیع خواہند بود ، والا بہ قانون  
مذہبی و وجوب اطاعت اوامر حجج اسلامہ دست  
بردار بستیم ولو تمام کشتہ تویم ، حضرت سید در ہم  
بعض حفظ اساس امنیت و آسایش داخلہ و خارجہ  
بالناس نگاہ داشتیم و محمدتقی مقصد بایل گردیدیم  
انجمن ولایتی ، نام علماء و اعیان و تجار و کتبہ لامیجان ،

آقا میرزا حسن امام جمہ - آقا میرزا عبدالقادر بخت  
آقا شیخ خلیل بخت - ملا غلامعلی پشماز - آقا میرزا  
عبدالباقی مجد الاسلام ، حاج سید رضای اعلم - آقا  
سید حسین آقا بخت - صبا العلماء ، رئیس الواقعین -  
جلیل العلماء ، شیخ الاسلام - احمد السلطان - حاج شیخ  
کاظم آقا - میرزا احمد - سالار ، مؤید - صدیق دیوان  
میرزا احمد - حاج سید احمد پشماز - حاج ایتالہ ،  
میرزا سلطنت - منصور السلطان ، میرزا رحیم - میرزا

امنیت داخلہ و خارجہ نگاہ داشتیم و کمال تشکر را  
داڑیم کہ امروز از حسن توجهات کاملہ حضرت معظم  
الیہ گیلان در امنیت معروف جہان است .

انجمن ولایتی کنگرود ، حاجی شیخ حسین ، آقا  
شیخ علی اکبر ، آقا شیخ حسین ، آقا محمد ، ملا  
علی اکبر ، شمس العلماء ، آقا شیخ بوسف ، آقا شیخ  
محمد تقی ، آقا شیخ حسین ، آقایان طلاب مہندہ نفر ،  
آقایان اعیان ، اشرف ہشت نفر ، تجار و کتبہ  
یکصد و بجاہ نفر ، رئیس التجار حاجی میرزا ، وکیل  
التجار ملا حاجی آقا

تکراف رشت بہ حرم آباد

توسط حضرت ساعد لہرہ مدظلہ خدمت عموم  
رادران و آقایان محترم محال تلامہ کجور و کلارستان و  
تسکین کیلا و ابلا - چون ما ہا برادران مجاہدین شاہ  
امالی تلامہ بہ مقتضای احکام ملیتہ حضرات حجج  
الاسلامیہ نجف اشرف بخدمتگذاری مات در پیشرفت  
مشروطیت و احراست و مر طاعة حضرت اشرف  
سہدار اعظم روحی فداہ بجان و مال حاضریم ، لہذا  
بعض حقوق امنیت و برادری ہمہ شاہا عالی تلامہ  
تبلیغ میشود راییکہ بشرفت این امر مقدس کہ از  
شرایط اصول مہرہ مذہبی است ہمگی باید اتحاد و  
اتفاق کنید و ما ہا ہمدل و ہم آور در ولایت  
ما کمال مجاہدت مشمول خدمت مات کہ اشاہ زودی  
مفاد طالبہ بایل ، چنانچہ ہر یک رسا ہا خدمتخواستہ  
مخالفت و کوتاہی نمایند بد ریل این مقصود ہمت  
حامیہ رای مجازات ہ حاضر و ار برادری و ایلیت  
ماہا خارج خواہد بود ، راییکہ تعیین تکلیف شاہا  
علاقہ نمودیم تا بدانید و باین دستور فوراً راجورت  
اقدامات کافیہ امانی را وسایید ،

انتصار السلطان ، انداز السلطان ، سہ د خان ،  
ناصر اعظم ، محمود خان ، فرارباب حسن سرمسک ،  
حسین قلی سلطان ، سیدقہ خان ، آقا حسن ، میرزا  
عبدقہ خان ، سار علی حسن ، مرزا - اہان خان ، میرزا  
محمد خان سرتیب ، میرزا علی حسن سرتیب ، امامعلی خان  
جلیل لشکر ، علی خان سلطان ، میرزا فتح قہ ، اچودان  
جلال الحکما ، ابوالقاسم خان ، علی کریم ، میرزا و الحسن  
خان ، میرزا علی خان ، میرزا حسن خان ، علی قی خان ،

اسحق، اکرم السلطنه - حاجی امین دیوان - منصور الملک  
اشرف السلطنه - اقبال السلطان - میرزا ابوطالب -  
احشام الملک، فتح الله خان، موز الملک، امیر الملک، سابر  
نجار و اصناف شصت نفر

➤ تزن مجهول

تزن مجهول برخلاف مقرری غیر از یسقی و نجاتی  
و بقی بدولت آنکه مهندسین و اجزای راه حق  
مستخدمین خود تزن مطلع باشند سرعت هشتم ورسی  
در یکساعت از خلیس حرکت کرده و نصف شب  
بجای کابل ( ایستگاهی است فباین راه آهن باکو -  
خلیس ) وارد شده و برای رسیدن دلی جانهای یسقی  
که با دست از سوارهای مساج همراه بودند تا ظهر  
روز بعد توقف می کند . پس از اینکه مسافری دلی  
جانهای یسقی در تزن مذکور جای میگردد قطار راه  
آهن بجناب بالا جاری ( ایستگاهی است در یکساعتی  
باد کوه که از آنجا واگنهای بخار و راه آهن بدو  
خط جدا شده ، یکی بطرف بنووسی و دیگری سمت  
خلیس میرود ) میاید ، حاکم و رؤسای نظامی بادکوه  
بهمراهی اجزاء قوسول گری ایران برای اجرای  
احترامات درحین ورود تزن بالا جاری حاضر بوده اند  
پس از حزدی توفیق تزن بسمت ولوجسی ( سرحد  
اطریش روس ) حرکت میکند ؟ ( باکو )

✽ واقعات کرمان ✽

( بقلم جناب آقای قراغی )

مدتی است اخبارات این حدود عرض نشده یعنی  
اخباری قابل درج به بوده سوای دزدی و نا امنی  
طرف و گران و نسکی و غلام .

صاحب اختیارگانی حاکم کرمان دراول ورود حوز  
نظمی دده چون از مرکز همه روزه امیر بهادر تفاوت  
همه قشون کرمان را معالیه میکرد حیره و مواجب سه  
فوج کرمان و هم و ششصد سوار را منحصر به پانصد  
سراز و دویست سوار لرده آراهم حیره و مواجب  
بقاصد میدهد ، دردهای فارس و کرمان نیز نام راهها  
را گرفته فریب پست قره ار رهنجان و چند قریه  
از زرد و کوهستان را تاراج کرده ، این دویست  
سیصد سرباز دهانی گرسنه که مرکز مشق ندیده کجا

قوه جنگ داشتند ، سه ارهم اسبی بود ، وزیر داخله نیز  
همه روزه پول طالبات میخواست ، از طرف لار نیز  
جانی محدود کرمان آمده از جانب حجة الاسلام حاجی  
سید عبدالحمین مجتهد مردم وادعوت بشروطه میکردند ،  
عدل السلطان ضابطه اقطاع و انتشار توپ و سراز  
برده بود با اشارها حلوگیری نماید سوار های انتشار  
و گرمسیری و جمعیت لاری خاستند ایشان را گرفته  
بکشند لذا فرار برقرار اختیار نموده هنگام گریز  
کلافه به پای وی خوردند جان توقف نکرده همه حا  
از کوه و تپه و راه و بیواه خود را کرمان رسانید ،  
سرازها نیز خلیمت دانسته از جنگ و سقز و  
گرسنگی گریز اختیار نموده توپ و چهار نفر توپچی  
را به سوارهای گرمسیر و افشار سپردند ، آصف الملک  
رئیس لشکر یزد که لشکر نویسی بود پس از خوردن  
مواجب سربازان صد سرباز و بیست شصت سوار  
طامور یزد گردید

ایل خراسانی به یزد رفته اکنون جرئت ندارد  
مراجعت نماید چه همه راه ر سوارهای لشکر گرفته اند  
او میخواست سربازان را همراه بیاورد ، مشیر الملک  
پیشکار یزد مانع است چرا که خوف از آمدن بختیاری  
دارد ، واسطه استه شدن راهها مان و گوشت و  
روغن کم شده است ، خون احتیال شووش خلق  
میرفت صاحب اختیار و کارگذاران ایشان صلاح خود را  
درین دیدند که مشروطه خواه شده این وسیله مردم  
را خوار شود نمایند .

حاجی ابراهیم بابک درایم مشروطه رئیس مجاهدین  
و صاحب نعمن کلاه نمدی ها بود او را گرفته و در  
۱۵۰۰ م و بجزارده و صد عدد بشهر آورده حالت داده  
کلانتر و بیگار بیکی ش نمودند ، اختیار تمام شهر و  
ملوکات فریبه را او داده اند .

علی السعاده مرگه ملوک طوائف در ایران باگیرد  
صاحب اختیار هم کما ، و ملوکات را صاحب خواهد شد  
تا یکدرجه قوه هم مجبه شده میباشد کرده برخلاف  
ردن ش دهان لدره که در صدها توپ به مسجد شاه  
و مات سه میدهد ساسند و باگیرد درار حکرده  
قوسول خانه نگارسی بنده برده محفظه طامور

جناب حجة الاسلام آقای آقا باقر مجتهد بزرگ  
کرمان سرحدوم شد

علی کرمان دو قسمت شده قسمتی که بسرجناب آقا باقر مرحوم آقا میرزا علی محمد و جناب آقا سید علی و جنابان آقا میرزا اسمعیل و آقا میرزا محمود با طایفه وعلی شیخیه بکطرف، جناب حاجی میرزا محمد رضا و جناب آقا ابراهیم و آقا شیخ محمد باقر بکطرف، بحمد الله علی المجتهد نزاری ندارند و جنگ اسولی و شیخی تا یکدرجه موقوف است، تجار تبریزی بواسطه ناامنی راه تبریز دست شان از تجارت قالی کوتاه شده سه نفر فرنگی و ارمی خرید کرده باسلامبول و امریکا می فرستند، از بیکاری باخبار نگاری برداختند، مما قریب تمام تجار داخله مزدور خارجه خواهند شد، چرا دزد اگر مال تجار خارجه را ببرد از حکومت میگیرند، تجار داخله يك فرسخی شهر مال شان را برده جواب نمیدهند، امید قوی برعود مشروطه هست، لکن افسوس که صاحب علم اکثر و وجود ندارد، خداوند طول عمر بخانیان حقیق الاسلام خراسانی و طائندران دهد، اگر آن برگوانان همراهی فرموده بودند باوجود جهالت رئیس للتبیین شیخ فضل الله مشکل بود ایران از این ظلمت جهالت ووحشت نجات یابد، معتضد دیوان رضا بالا که سردار مسلح شده و در طهران اشخاص زیاد را کشته وخیلی دکان ها را تاراج کرده و قلع نامہ بکرمان فرستاده بود که من مشروطه را بهم زدم از ریاست نظمیہ منزول شده شصت هزار تومان مال شرکت عمومی را برده مالک خریدار است

### واقعات سیرجان

بطایفه شول همینکه اخبار رسید که حجة الاسلام حاجی سید عبدالحمین لاری سببه و لار را تصرف کرده، بکطرف بمرقوم باجی کشته شده، مالیات خود را بضابط سیرجان نداده رفتند، گویا خط جناب حاجی سید عبدالحمین هم با آنها رسیده بود، ایل افشار نیز از تعصبات عدل الساطان بستوه آمده خاستند او را گرفته بکشند، عدل الساطان توپ و اردو را گذاشته فرار کرد و تا کرمان جان درنگ نموده چهارشر تومیچی و توپ را افشارها ضبط کردند، گلوله باسب او خورده میگویند باکی ندارد، ضابط سیرجان چون فشار زیاد

بر رعیت نیاورده بود کاری باو نکردند هرگاه بعد از بهم خوردن مجلس حکام و ضباط ملائمت رفتار کرده بودند عوام کاری نداشته بامذیت راضی شده بودند، لکن عمال و اصف زور آورده تمام رعیت را تاراج کردند، لهذا مردم بستوه آمده بنای مکاترا نهادند، حاکم کرمان صاحب اختیار بر خلاف اقبال الدوله چندان سفاک نیست، اول يك تلکرافتی را نایب الحکومه کرده بود مردم را تاراج کرد اسم او بشیر خاقان است، میگویند در مدت دو ماه پست هزار تومان دخل برد، ولیخان ضابط بم تمام جبال بارز را تاراج کرد، عبداللظفرخان سرتیب تمام بافت و زنجبان را تاراج کرد، يك مجتهد مشروطه خواه را اهانت نموده تا مرحوم شد، راهها از املیت افتاده، دزد اطراف راهها را گرفته، هر چه هم طالبات بگیرند صرف خود آنها می شود، نه بدولت میرسد نه بسرباز،

اخبار تبریز - استراباد - اصفهان - لار - بافت شورش و هیجان مردم شده، اگرچه همه مردم معنی مشروطه را نمیدانند ولی خوف آنها از عدم املیت است - خداوند اصلاح فرماید والسلام

### وقایع بوشهر

( ۷۵ ع ۱۳۲۷ )

میدانم در بوشهر چندین نفر خبر نگار دارند که لابد تمام وقوعات آنجا را یا مدرضاة یا بینر ضانه برض اداره جلیله خواهند رسانید، ولی چون خودم تا امروز سکه مباد حرکت بست است در آنجا بوده و همه واقعات را نظر دقت ملاحظه کرده ام همچو مناسب دانستم که مختصراً اصل حقیقت را بسمع ملازمان برسام تا در جریده فریده درج کرده بر همه طالبان مدلل دارم که طامات بدبخت تا چه درجه زیر فشار بدبختی و نکبت افتاده ایم، خدا هم گواه حال است که آنچه از قلم جاری میشود از شایسته فرض خالی و ماری است، زیرا که اول با کسی فرض ندارم و دوم علاقه برای خود در ایران نگذاوده ام و هجرت بخارجا را بر اقامت وطن ترجیح داده ام

در این هفته اخیر آقایان نجسار بوشهر چندین نفره انجمنهای سری در منزلهای خود شان کردند و

تصدیقات این بود که بولیک از کرک گرفته شده  
مسترد سازند و رؤسای تشکیلات هم که تازه  
منتخواه و مشروطه دوست و قانون طلب گردیده  
بودند احضار کرده بقرآن قسم دادند که با مشروطه  
همراهی کنند و با تاجر موافقت داشته باشند و روساه  
هم که فقط طالب جلب قمع شخصی خود شان بودند  
بر حسب ظاهر بادرور با تاجر همدست شدند، از  
آلت طرف هم رؤسا در صدد بودند که طوری  
بشود هم قوق بر تاجر حاصل کرده و هم آلت  
بولی که در بنگ با هم آنها نهاده اند بیرون بیاورند  
و ضمناً تاجر هم که از بیعتی بستوه آمده و از قاق  
کور و کر شده نتوانستند که خود داری کنند و  
علاج درد را بدست بیاورند، بلکه فقط برایش قنن و  
اسم طرف عصر در یکجا جمع میشدند و میگفتند و  
میخوردند و برمیخواستند، تا اینکه فهمیدند طرف مقابل  
محکم در کار ایستادگی دارد و حاضر است قدری از  
بول مفتی که بدست آورده در منازعه و مشاجره  
آنها صرف کند، این بود که مصاحبین خیر اندیش با  
درمیان نهاده ترتیب صاهی دادند و قرار شد که جناب  
آقای امری را هم رئیس قشون و هم صدر انجمن معین  
کنند و بهر طور بود آقا را بانجمن برده و یک روز هم  
در این کار صرف کردند، بعد از آلت امیر بجه به  
نیابت حکومت معین شده و سوگندش هم دادند ولی  
تا خواست که بجهار برج برود و مشغول کار خود  
بشود تشکیلات ساحلوی آنجا شایک بر او کرده  
نگذاشتند داخل شود، معلوم نیست کی تشکیلات را  
تخریک کی کرد که این کار بکنند، یک دو نفر از تاجروم  
که دیدند هوا خیلی مفسوش و کار زیاد حرارت  
زمزمه استغای عضویت نهادند، و این دو یارن یعنی  
تجار و مجاهدین در خلوت و جلوت از یکدیگر بدگوش  
آغاز کردند، از این طرف بیحلی و بی قدرتی و از طرف  
دیگر خود غرضی و گول خوردن از شیدان دست  
بهم داده یک نتیجه خنکی بار آورد که مابا رو سیاهی  
برای طرفین شد.

روز ۲۶ ع ۱۳۲۷ دو طایفه از تشکیلاتی  
ساحلوی بکمرک رفتند که جیره خود بگیرند و  
جیالشان قوامی واقع شده و خواسته بودند که یکدیگر

بزنند و آخرالامر یکی از آن دو طایفه مأیوس شده  
بود در بین راه با دو نفر مشروطه خواهان تازه  
بر خورده و مطلب را میگویند و گویا از آنها  
خواهش میکنند که پولشان بگیرند، جواب یأس  
و خشم در عوض بول بانها رسید، لذا رو بیازار  
آورده مشغول نهب و تاراج دکا کین شدند،  
مجاهدین و احراریکه برایش حفظ ملت و استحکام  
مشروطیت آمده بودند از خلاف بیرون رفتند و آشکار  
کردند که دزد جیوچی و راهزن بی سرو پا آلت  
غرض مفرضین شده، در اندک زمانی چندین دکان  
بقارت رفته و طولی نکشید که همه شهر در نزل و  
توحش افتاده، مردم بچاره که اعتقاد از حسن نیت این  
دزدان و آنهایکه ایشان را آورده بودند داشتند  
فهمیدند که کار از چه قراوست، و هرکس که نواست  
دکانها را تخته کرده بخانه خود رفت، این حادثه در  
عصر ۲۶ واقع شد و جنسان همراهی بر مردم مسئولی  
گشت که ابدأ از جان و اموال و امراض خود  
اطمینان نداشتند و از دو هزار طرار خونخواریکه  
تازه احرار شده بودند کمال خوف داشتند

شب آفت روز از اول غروب تا طلوع فجر  
هرکس در منزل خود اسلحه داشت بیرون آورده بر  
پشت بامها کشیک میکشید و لا ینقطع شایک تشک  
در کار بود و هیچکس نمیتوانست خواب برود، و هر چند  
بر حسب امر حلی از همان اصرار بجر است بازار معین  
شده بودند ولی تشکیلات بدزدی خود مشغول بوده  
سه باب دکان در بازار و یک باب نزدیک دارالحکومه  
و یک کاروا سورا و قریب شش انبار را برده حرط و  
گندم و امتعه دیگر تارت کردند، و علاوه بر آن در  
منزل چند نفر یهودی و مسلمان داخل شده پول و  
جنس را بقدریکه میخواستند بردند و دو سه جاسی  
متماعی بخار حه را هم دزدی کردند، تصور احوال اهالی  
را بدوق مطالعه کنندگان میگذارم که در وقتیکه اهالی  
یک شهر تا کمال ارادت اعتماد و اعتقاد بر یک حوقه  
از مردم بکنند و آنها را بر جان و مال و امراض  
خود مسلط بدارند چه میشود، و فذیکه ملاحظه کنند که  
همان نمک بجران بخربک جوی خود غرض بول دوست  
حیالت ظاهر مرتکب شده و بجان مردم بیفتند، حسن



کار بوشهر در این بود که از طرف دولتیان ابدأ معارف و مدافعه نشده و همه ادارات بخوشی تسلیم شدند ولی نمیدانم اگر از جانب دولت استمدادی آمده بود دیگر چه میشد. عقل و دانش را ملاحظه فرمائید که دو هزار نفر قنکچی خوندار با همدیگر در یکشهر جمع کرده و هر روز یکی را بر دیگری قوی داده و آنها را بیکار و بیچار نگاه میدارند و هنوز توقع دارند که زود و خوردی رخ دهد. خود خواهی و خود فرضی چنان چشم بصیرت بضیها را کور کرده بود که وقتیکه در وسط و صدر انجمن سری می نشستند خودشان را استاد بسیار و اتالیق گلدستون بخرج میدادند. ولی نهایت سببشان در همین بود که با فلان رئیس بندوبست کرده پست فر قنکچی را بکشد فر قلمداده آجیل خود را راه اندازند

جلابالی در ضمن سفارشات خودتان بوشهریان نوشته بودید که اشخاص کم حرف بر کار آورند، ولی تأسف دارم بگویم که همچو آدمها در انجمن بوشهر راه نمی یافت و حرف و رأی و تدبیر و دانش همه یکجا جمع شده و در مقررته یکدیگر فر معلوم الاحوال محسن اختیار کرده بودند و همین کفایت شود که مردم بدبخت باوجودیکه در اول همراه بودند در آخر طوری متفر شدند که قلم مشروطه و کفر را با همدیگر مرادف میدانستند و اینهم از برکت تدبیرات حضرات بود روز دیگر بازوها بند، معاملات هم توقیف، مردم در خانهای خود اقامت کرده کسی جرأت بیرون آمدن نداشت، و انجمن هم انعقاد یافت، و اهالی اجتماع کرده از این بد نظرها شاکی شدند و از طرف حضرات اعضاء هم (که انتخابشان بملاحظات دوستی یا همراهی با بزرگواری بوده) بدزدان امر شد که اموال دزدی را پس بدهند، ولی اگر حضرت آدم در آرزو از قبر برخواست اموال مردم هم از دست طراران بدر آمد، چیزی که مرجوع شد يك دو سه وقراسیابی بود که امکان نشده بود شب قبل به تنگستان بفرستند و آنها را کتون در انجمن مانده و شاید عهد جنگ زندان شود.

خارجیها از این وضع بد جدا در آمده دهان روز يك طرفی از طرف قونسلگری

انگلیس در انجمن قرائت شد که باید این همه قنکچیان که وجودشان ضرور نیست خارج شوند، ولی آقایان گفتند که باید پولی که در بانک است گرفته شود و باها بدهیم تا بروند - اینجا کاشف بعمل آمد که نام آن گره رقصانها برای بردن لحاف ملا نصرالدین بوده یعنی میخواستند این پول را هم بیرون آورند و هر طور بود آنرا گرفتند (پول مذکور دو هزار و شصت تومان و کسری بوده) و باز هم بجاهدین دروغی و منافقین حقیقی قناعت فرموده آتش هم برای مردم سردرد راه انداختند و همان تیر و شلیک و هیچ و هیچ درکار بود - بخارجیها هم وعده دادند که زود امنیت جاری و کار را درست خواهند کرد -

تجار هم که دیدند در انجمن همه اوضاع در هم است کناره کشیدند و بکطرفه کار شد و شرف مردم از حرکات قنکچیان با آنها رسیده میجکس نبود که از وضع آن وقت اظهار تفر نکنند، و امنیت و نظم یکباره سلب شده همه مردم هر چه داشتند یادر زیر زمین دفن کرده یا جا بجا نمودند و کار بجائی رسید که در خود شهر مردم راحت میسر کردند و اموال از دست اهالی میروند، کسبیک خود را از اول مؤسس این کار میدانستند بقونسولات نوشته و مسئولیت انتظام را از گردن خود برداشته بر تجار یا اهالی شهر انداختند، قنکچیان هم که در کرب بودند بازار آشفته را از دست نداده و از قرار مذکور چندین کشتی از تنگستان آورده طال الزبارة را دزدیده و در آنها بوطن خود حمل دادند و بی نظمی و افشاش بجائی کشید که نزدیک بود اهالی شهر اجتماع کرده و در یکی از قونسولانها محسن اختیار کنند و هر قدر نزد موسسین میرفتند و شکایت از ظارت و نهب اموال میسر کردند جواب درست بدست نیامد و شکایتها را با حمل بررض و یا بی اصل تصور میسر کردند، قنکچیان هم هر يك در صد بانه و دست آویز بودند که هر طور است بظارت مردم چودازند، آنها بیک وجوہات معتد به در صعبه شان رفته و خانه خراب خود را آباء ساخته بودند کنون از مسئولیت نظم امتناع داشتند بوجهی روز چه میبکسی از تجار در انجمن